

پژوهش‌های معماری اسلامی ۲۲

شماره شایب X - ۳۰ - ۱۳۹۸

فصلنامه علمی
قطب علمی معماری اسلامی
سال هفتم - شماره اول - بهار ۱۳۹۸

■ مطالعه تطبیقی حجاب‌زدایی و حریم‌زدایی در البسه و ابنیه‌ی ایرانی قبل و بعد از ظهور سلسله‌ی پهلوی
محمد منان رئیسی / زهرا انصاری‌پورا

■ مطالعه تطبیقی ساختار کالبدی و کارکردی میدان صاحب آباد تبریز و میدان نقش جهان اصفهان در ادوار تاریخی
عیسی حجت / آرزنا بلالی اسکویی / ثنا یزدانی

■ میدان اسب شاهی: جلوخان دولت‌خانه صفوی قزوین
حمیدرضا جیحانی / فاطمه رجبی

■ روند دگرگونی‌های کالبدی مدارس ایران: از دوره سلجوقی تا دوره قاجار (از قرن پنجم تا چهاردهم هجری قمری)
منصوره محسنی

■ طبیعت، سیاست و معماری: بازخوانی برهم‌کنش مؤلفه‌های طبیعت، سیاست و فرهنگ در فرآیند آفرینش معماری مسجد کبود تبریز
محمدباقر کبیرصابر / امیر امجد محمدی

■ شهر مربی کودک: بازتولید الگوی شهر دوست‌دار کودک در بستری ایرانی اسلامی
پریا یارسا / مرتضی میرغلامی / مینو قره بگلو

■ تبیین وجوه تنوع آفرین میراث مسکونی اصفهان
آزاده حریری / بهنام پدرام / مریم قاسمی سجالی



شماره شایا: X - ۹۷ - ۳۳۸۷

پژوهش‌های معماری اسلامی ۲۲

فصلنامه علمی
قطب علمی معماری اسلامی
سال هفتم - شماره اول - بهار ۱۳۹۸

مدیر مسئول: معاونت پژوهشی دانشگاه علم و صنعت ایران

سر دبیر: دکتر محسن فیضی

مدیر داخلی: دکتر فاطمه مهدیزاده سراج

ویراستار ادبی فارسی: سارا متولی

کارشناس مجله: امیرحسین یوسفی - زهرا کاشانی دوست

ویراستار انگلیسی: محمد رضا عطایی همدانی

هیأت تحریریه:

دکتر سید غلامرضا اسلامی: دانشیار دانشگاه تهران

دکتر حسن بلخاری: استاد دانشگاه تهران

دکتر مصطفی بهزادفر: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر محمد رضا پور جعفر: استاد دانشگاه تربیت مدرس

دکتر مهدی حمزه نژاد: استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر اسماعیل شیعه: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر منوچهر طیبیان: استاد دانشگاه تهران

دکتر حمید ماجدی: استاد واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

دکتر اصغر محمد مرادی: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر غلامحسین معماریان: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر فاطمه مهدیزاده سراج: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

مهندس عبدالحمید نقره کار: دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر محمد تقی زاده: استادیار واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

دکتر علی یاران: استاد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

طراح جلد و صفحه آرا: امیرحسین یوسفی

قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال

لیست داوران این شماره:

دکتر علی اسدیپور (استادیار دانشگاه هنر تبریز)

دکتر لیدا بلیلان اصل (استادیار دانشگاه هنر تبریز)

دکتر سعید حقیر (استادیار دانشگاه تهران)

دکتر حسن سجاذزاده (استادیار دانشگاه بوعلی همدان)

دکتر بهزاد عمران زاده (استادیار دانشگاه تهران)

دکتر محمود قلعه نویی (استادیار دانشگاه هنر اصفهان)

دکتر راضیه لیبیب زاده (استادیار دانشگاه آزاد)

دکتر حامد کامل نیا (استادیار دانشگاه فردوسی مشهد)

دکتر اکبر کیانی (استادیار دانشگاه زابل)

دکتر محمدباقر کبیر صابر (استادیار دانشگاه تهران)

دکتر شهریار ناسخیان (استادیار دانشگاه هنر اصفهان)

دکتر احد نژاد ابراهیمی (استادیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز)

مهندس عبدالحمید نقره کار (دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران)

دکتر سید مجید هاشمی (استاد دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی)

دکتر بهزاد وثیق (استادیار دانشگاه صنعتی جندی شاپور)

دکتر نیما ولی بیگ (استادیار دانشگاه هنر اصفهان)

نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی بر اساس مجوز کمیسیون نشریات

وزارت علوم تحقیقات و فناوری به شماره ۱۳۷۲۰۶ / ۳ / ۱۸ مورخ

۹۳ / ۷ / ۲۸ از شماره نخست دارای اعتبار علمی پژوهشی می باشد.

این مجله در پایگاه‌های (SID) و (ISC) نمایه می شود.

مقالات مندرج در این مجله، الزاماً بیانگر نقطه نظرات «پژوهش‌های معماری اسلامی» و «قطب علمی معماری اسلامی» نمی باشد و نویسندگان محترم، مسئول مقالات خود هستند.

نشانی دفتر مجله: دانشگاه علم و صنعت ایران / قطب علمی معماری اسلامی / کد پستی ۱۶۸۴۶۱۳۱۱۴ / تلفن مستقیم: ۰۲۱ - ۷۷۴۹۱۲۴۳

نشانی راینامه: jria@iust.ac.ir / نشانی وب: <http://iust.ac.ir/jria>

www.SID.ir

تبیین وجوه تنوع آفرین میراث مسکونی اصفهان*



آزاده حریری*

دانشجوی دکتری مرمت و احیا بناها و بافت‌های تاریخی، دانشکده مرمت و حفاظت، دانشگاه هنر اصفهان

بهنام پدram**

استادیار، دانشکده مرمت و حفاظت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

مریم قاسمی سیجانی***

استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۷/۱۲/۱۳

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۰۶/۰۴

چکیده:

طبقه‌بندی‌ها در حوزه میراث مسکونی شهر اصفهان، غالباً با دیدگاه گونه‌شناسی و ایجاد وحدت از طریق همانندسازی و توجه به وجوه تشابه در صورت معماری بدون اعتنا به وجوه تنوع، تمایز و معنا و محتوای آن انجام شده است. برخی ویژگی‌های معماری خانه‌های تاریخی اصفهان در هیچ کدام از گونه‌های معرفی شده، قابل تشخیص و شناسایی نیستند. آنچه غالباً در این گونه‌شناسی‌ها ملاک عمل قرار گرفته؛ واکاوی وجوه شکلی کالبد است که در هر دوره‌ی تاریخی ثابت فرض شده؛ اما در ساختارهای کالبدی خانه‌هایی که طبق گونه‌شناسی‌های انجام شده در یک رده قرار می‌گیرند؛ نیز تنوع‌های فراوانی مشاهده می‌شود. این در حالی است که امروزه خانه‌های تاریخی بسیاری در شهر اصفهان به دور از تشخیص وجوه تنوع اصیل به دست فراموشی و نابودی سپرده می‌شوند. همچنین غالباً شهرهای تاریخی کشور، با فقدان کلی اطلاعات و دانش مربوط به تنوع میراث مسکونی مواجه است. عدم تبیین دقیق تفاوت‌ها و تنوعات در میراث مسکونی باعث شده که در نظام مدیریت و برنامه‌ریزی حفاظت از میراث فرهنگی و بافت‌های تاریخی، نتوان فرصت‌های لازم را برای باززنده‌سازی و خواناسازی این وجوه در راستای ارتقای هویت فرهنگی و اجتماعی بافت‌های تاریخی به انجام رسانید. این پژوهش در پی پاسخ به چرایی تبیین وجوه تنوع و تمایز در میراث مسکونی اصفهان و تحلیل عوامل تأثیرگذار در خلق وجوه تنوع و تمایز در خانه‌های تاریخی اصفهان به منظور واکاوی جایگاه این وجوه در فرآیند حفاظت بوده است. اهداف اصلی در پی پاسخ‌گویی به پرسش کلیدی به این قرار خواهد بود: با تحلیل و بررسی عوامل تأثیرگذار در ایجاد وجوه تنوع و تمایز در خانه‌های تاریخی اصفهان، بتوان به طبقه‌بندی جامع میراث مسکونی اصفهان براساس وجوه تنوع آفرین در راستای تبیین فرصت‌های لازم در فرآیند حفاظت برای باززنده‌سازی و خواناسازی وجوه تنوع آفرین و تمایز در خانه‌های تاریخی اصفهان پرداخت. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف توسعه‌ای و با بهره‌گیری از اسناد کتابخانه‌ای، مطالعات میدانی و مصاحبه انجام شده و یافته‌ها با روش کیفی تجزیه و تحلیل شده‌اند. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که وجوه تمایز و تنوع آفرین در کالبد میراث مسکونی اصفهان تحت تأثیر عوامل تأثیرگذار اقلیم، مذهب، شغل و موقعیت اجتماعی مالک و خرده فرهنگ‌های قومی شکل گرفته‌اند. بروز خلاقیت در هماهنگی با اقلیم و سازگاری با طبیعت و تطبیق با الگوهای رفتاری وابسته به مذهب و فرهنگ‌های قومی و از سوی دیگر ناهماهنگی با اقلیم و الگوهای رفتاری مذهبی و فرهنگی منجر به آفرینش خانه‌هایی با ساختار و اجزای کالبدی متنوع و متمایز شده است. تنوع در نظام کارکردی مسکن و تلفیق کارکردهای غیرمسکونی نیز باعث خلق وجوه تنوع آفرین در ابعاد کالبدی خانه‌های تاریخی اصفهان بوده است.

واژه‌های کلیدی: اصفهان، میراث مسکونی، تنوع‌پذیری.

* این مقاله برگرفته از پایان نامه دکتری آزاده حریری به راهنمایی دکتر بهنام پدram و مشاوره دکتر مریم قاسمی در دانشکده مرمت و حفاظت دانشگاه هنر اصفهان است.

مقدمه

میراث مسکونی ایران از تنوع و کثرت بیشتری نسبت به سایر گونه‌های معماری برخوردار است. همانندسازی‌هایی که در نظام معماری امروز در دنیا حاکم است و دوکسیادس آن‌ها را تحت تأثیر عواملی همچون «وجود محصولات صنعتی و یا وسایل حمل و نقل یکسان برای سراسر دنیا»، «ایجاد سیستم‌های تهویه مطبوع مکانیکی»، «استفاده از مصالح ساخت و حتی تزئینات و دکوراسیون یکسان در تولیدی جهانی»، «آموزش دیدن معماران در دانشکده‌های کشورهای خاص و سپس پراکنده‌شدنشان در نقاط مختلف دنیا» می‌داند (دوکسیادس بی تا، ۲۷-۲۵)؛ به نوعی در نظام طبقه‌بندی میراث فرهنگی نیز رخنه کرده است. در واقع مشابه‌سازی ظاهری گسترده و صرفاً شاخص‌سازی دیدگاه‌های کالبدی در پیوند نامبارک با اندیشه دهکده جهانی و یکسانی ارزش‌ها، مرگ اصالت‌های بومی را در حوزه میراث مسکونی موجب شده و به از دست رفتن مکان‌ها با خصلت‌های منحصر به فرد انجامیده و از آنجایی که بخشی از هویت انسان‌ها در پرتو خانه رشد می‌کند و هر شخصی را به تعبیر شولتز اهل سرزمین می‌نماید؛ به نوعی هویت مکان‌مند آدمیان را دستخوش نابودی نموده است (شولتز ۱۳۸۷، ۱۴). همچنین راپاپورت اعتقاد دارد ماهیت هویت «شرایطی است که چیزی را منحصر به فرد می‌کند و با دیگران متفاوت می‌سازد» (دانشپور ۱۳۸۳، ۶۴). از این جهت ضرورت و اهمیت تبیین وجوه تنوع آفرین و متمایز در بیش از سیصد خانه تاریخی بازشناسی شده در شهر اصفهان، در راستای تجلی هویت شهر و بافت‌های تاریخی اصفهان، اجتناب‌ناپذیر است. اندیشه‌های آفرینش میراث مسکونی اصفهان، در زمان پیدایش، همانند گونه‌های دیگر معماری ایرانی، مکتوب نشده است. امروز برای شناخت ابعاد متنوع خانه‌های تاریخی اصفهان و تبیین مبانی نظری حفاظت، طبقه‌بندی و تعیین مؤلفه‌های کثرت‌زا در این خانه‌ها ضرورت دارد. در جهانی که به طور فزاینده در معرض فشارهای جهانی‌سازی و همگون‌سازی است؛ تبیین مؤلفه‌های تنوع‌پذیری در میراث مسکونی، در وضوح بخشیدن به حافظه جمعی بشریت نقش به‌سزایی خواهد

داشت.

حفاظت جامع از میراث مسکونی اصفهان بدون توجه به وجوه تنوع‌پذیر این آثار ممکن نیست. در واقع تبیین وجوه تنوع‌آفرین میراث مسکون در تدوین معیارهای اصالت برای این آثار نقش به‌سزایی خواهد داشت و حفاظت از شناسه‌های تنوع آفرین، تداوم فرهنگ بومی آفرینش میراث مسکونی را به دنبال دارد. به عبارتی دیگر برای حفاظت از موجودیت‌های متنوع، غالباً سیستم‌های مدیریت متنوع بر اساس نظام طبقه‌بندی مبتنی بر وجوه تنوع‌پذیر قابلیت و اعتبار دارند. این پژوهش ضمن بررسی دو الگوی «هماندسازی» و «تکثرگرایی» در نظام طبقه‌بندی خانه‌های تاریخی اصفهان، فرض اساسی خود را بر این مبنا استوار نموده که الگوی تکثرگرایی در نظام طبقه‌بندی خانه‌های تاریخی، الگویی کاربردی برای تبیین ارزش‌های این آثار در ابعاد گوناگون و دستیابی به مبانی نظری حفاظت جامع از میراث مسکونی اصفهان است. پژوهش حاضر، عطف به خلأ اطلاعاتی موجود پیرامون وجوه تمایز و تنوع آفرین در خانه‌های تاریخی اصفهان و طبقه‌بندی مبتنی بر وجوه کثرت‌زا در میراث خانگی شکل گرفته است. هدف اصلی این تحقیق پاسخ به این پرسش است که زمینه‌ها و مصادیق اصلی پیدایش وجوه متنوع کالبدی در خانه‌های تاریخی اصفهان چیست؟ بر مبنای روش تحقیق، نخست به واکاوی علل تنوع‌پذیری در میراث مسکونی اصفهان پرداخته و ماهیت وجوه تنوع‌پذیر در نظام کالبدی شناسایی می‌شود. سپس با انتظام معیارهای تنوع‌پذیری، ریزمعیارها نیز ارائه می‌گردد.

پیشینه پژوهش

بدایت مطالعه در حوزه خانه ایرانی سابقه طولانی دارد؛ به‌گونه‌ای که در بسیاری از آثار منظوم و منثور عرفا و اندیشمندان (به ویژه در قرن هفتم) و در کتب بسیاری چون کتب اخلاق و از جمله «اخلاق ناصری» می‌توان به مبانی نظری ساخت خانه ایرانی رسید. دیبا، ریوالت و سانتلی (۱۳۹۲) در کتاب «خانه‌های اصفهان» به گونه‌شناسی شکلی، بررسی نقش طبیعت، توصیف فضاهای معماری و سازه در خانه‌های اصفهان می‌پردازند. قاسمی سیچانی



تنوع آفرینی در میراث فرهنگی تأکید شده است. در منشور میراث معماری اروپا (۱۹۷۵) جایگاه و اهمیت تنوع‌پذیری این گونه بیان شده است: میراث فرهنگی باید در جایگاه اصیل خود با تمام گوناگونی آن به عنوان بخش اساسی حافظه نوع بشر در اختیار نسل‌های آینده قرار گیرد. اگر این کار صورت نپذیرد؛ بخشی از آگاهی انسان به پیوستگی و تداوم خود از بین خواهد رفت. مقاله «ارزیابی اصالت در فرآیند حفاظت از آثار تاریخی ایران: ضرورت توجه به تداوم فرهنگ بومی آفرینش هنری»، حفاظت جامع آثار را نیازمند تدوین معیارهایی می‌داند که بر تمامیت اثر و نه صرفاً یکی از نمودهای وجودی آن تأکید کند (پدرام، اولیا، و وحیدزاده ۱۳۹۰).

مطالعات متعددی در ارتباط با خانه‌های تاریخی اصفهان در داخل و خارج کشور ایران صورت پذیرفته است. اما آنچه این پژوهش را از مطالعات گذشته متمایز می‌سازد؛ بررسی و تبیین وجوه تنوع آفرین و زمینه‌های تمایزهای چشمگیر در خانه‌های تاریخی اصفهان است. به منظور ارائه طبقه‌بندی مبتنی بر وجوه تنوع آفرین، برخلاف نگرش در گونه‌شناسی‌ها و طبقه‌بندی‌های انجام شده که غالباً زمینه‌های تشابه در این خانه‌ها را مبنای دسته‌بندی قرار داده‌اند؛ این شیوه طبقه‌بندی نوین، براساس توجه به زمینه‌های کثرت آفرین و تمایزها انجام شده است و گونه‌هایی نظیر «خانه‌های بادگیردار»، «خانه‌های حوضخانه‌دار» بر مبنای شاخص‌سازی ویژگی‌های تنوع آفرین شناسایی شد. تاکنون به طبقه‌بندی میراث مسکونی اصفهان براساس وجوه کثرت‌زا پرداخته نشده که از نوآوری‌های پژوهش حاضر به شمار می‌آید.

روش پژوهش

بررسی‌های پژوهش، توسعه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی و تاریخ‌نگاری محلی انجام شده است. در این تحقیق، چستی تنوع‌پذیری و وجوه تنوع آفرین در میراث مسکونی اصفهان توصیف و تحلیل شده است. همچنین با بهره‌گیری از اسناد کتابخانه‌ای، مطالعات میدانی و مصاحبه انجام و یافته‌ها طبق روش کیفی تجزیه و تحلیل شده‌اند (نمودار ۱).

و معماریان (۱۳۸۹) نیز گونه‌شناسی خانه‌های قاجاری اصفهان را ارائه می‌دهند. پدرام و حریری (۱۳۹۵) در مقاله «خانه‌های تاریخی با نقشی فراتر از مسکن در بافت تاریخی اصفهان» به گونه‌شناسی عملکردی خانه‌های تاریخی اصفهان می‌پردازند. کاراپتیان (۱۳۸۵) در کتاب «خانه‌های آرامنه جلفای نو اصفهان» مستندسازی و گونه‌شناسی سیزده خانه آرامنه جلفا را ارائه می‌دهد. جبل‌عاملی (۱۳۷۵) هم در مقاله خود تحت عنوان «خانه‌های اصفهان در دوره معاصر» به بررسی تاریخی-تسلسلی خانه‌های معاصر اصفهان (از زمان پیروزی انقلاب مشروطه تا توسعه معماری به اصطلاح مدرن) می‌پردازد. قاسمی سیچانی، حریری و پدرام (۱۳۹۷) در مقاله «تبیین نظام طبقه‌بندی اسناد و شواهد تاریخی در مطالعات میراث مسکونی اصفهان» به ارائه رویکردی نوین در شناخت خانه‌های تاریخی اصفهان براساس اسناد و شواهد تاریخی می‌پردازند. سیمون آیوازیان (۱۳۷۸) در مقاله «نقش دو فرهنگ در شکل‌گیری منازل جلفای اصفهان»، به بررسی تطبیقی تعدادی از خانه‌های مسلمانان با آرامنه می‌پردازد. از دیدگاه آیوازیان، آرامنه با رعایت فرهنگ ایرانی-اسلامی و باورها و سنن اجدادی خود به تحولات خاصی در معماری مسکن راه می‌یابد که نتیجه ادغام دو فرهنگ ایرانی-اسلامی و مسیحی است. مقاله «مقایسه و تطبیق اصل شفافیت در کالبد و طرح-خانه‌های دوره‌های صفوی و قاجار اصفهان» نیز به بررسی اصل شفافیت در کالبد خانه‌های صفوی و قاجاری اصفهان پرداخته است (مؤمنی ۱۳۹۷).

پوپ (۱۳۸۸) در کتاب «معماری ایران» تنوع در عین وحدت را یکی از شناسه‌های معماری ایران معرفی می‌کند (پوپ ۱۳۸۸). کامیلوسیت (۱۹۳۰-۱۸۴۳) معمار و شهرساز اتریشی نیز، در «نظریه هویت تاریخی شهرها» معتقد است: هویت شهر به مجموعه‌های تاریخی در آن است که تنها در یک بنا خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در کل بناهای تاریخی شهر معنا می‌یابد (حیبی و مقصودی ۱۳۸۱، ۳۹). همچنین در منشور نارا (۱۹۹۴)، به حفاظت و تقویت تنوع فرهنگ‌ها و میراث فرهنگی در جهان توصیه می‌شود. در منشور میراث ساخته شده بومی (۲۰۰۰) نیز به اهمیت توجه به





نمودار ۱. مدل پژوهش

۱. تنوع پذیری در میراث مسکونی

طبق گفته‌ی الکساندر «تنوع چاشنی زندگی نیست؛ بلکه محتوا و اصل آن است» (چرمایف و الکساندر ۱۳۷۶، ۸۶). تنوع در میراث مسکونی ریشه در یگانگی و تکثر هویت‌های گروه‌ها و جوامع انسانی دارد. در واقع اهمیت تنوع در میراث فرهنگی به عنوان منبع تبادل نوآوری و خلاقیت مانند ارزش تنوع زیستی برای طبیعت است (اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی یونسکو ۱۳۹۰). مطالعه و بازشناسی وجوه تنوع آفرین میراث مسکونی هر قوم، خلاقیت، نبوغ و شیوه زندگی آن‌ها را مشخص می‌نماید. تکثر مؤلفه‌های کالبدی و فراکالبدی در میراث مسکونی شهر اصفهان که از ملزومات مردم سالاری در تاریخ اجتماعی این شهر است؛ به نوعی سرچشمه تبادل فرهنگی و شکوفایی ظرفیت‌های خلاق در بافت‌های تاریخی است که می‌تواند به پایداری زندگی در آن‌ها بینجامد. به طوری که حفاظت از همه اشکال میراث مسکونی به ترویج شناخت خلاقیت و نبوغ نهفته در آن‌ها با تمام تنوع موجود کمک می‌کند و محرک گفت‌وگوی ناب و صمیمی میان فرهنگ‌ها است.

دفاع از تنوع و گوناگونی و نقد همگون‌سازی در میراث فرهنگی به عنوان جنبه‌ای اساسی در رشد بشر و تداوم تاریخی در برخی منشورهای بین‌المللی تأکید و در اسناد معاصر مرمت و حفاظت شهری، توجه به «تنوع» و «تکثر» فرهنگی و تأکید بر ابعاد گوناگون میراث

فرهنگی از راهبردهای اساسی است (لطفی ۱۳۹۰، ۲۲۸). «دست‌نخورده‌گی مادی» معیاری است که منشور ونیز برای ارزیابی رعایت اصالت در اقدامات حفاظتی توصیه می‌کند (پدرام و همکاران ۱۳۹۰، ۳). این در حالی است که ابعاد غیرمادی نیز در آثار تاریخی وجود دارد که باید در چارچوب نظام ارزش‌گذاری، بازشناسی و حفظ شوند. ابعادی که غالباً سبب آفرینش‌های متنوع در میراث فرهنگی این سرزمین بوده‌اند. همچنین یکی از انتقادات نسبت به تئوری براندی پرهیز از توجه به کاربرد اثر است (براندی ۱۳۸۷، ۳۹). کاربردها اگر چه سلامتی ماده تشکیل‌دهنده اثر را تهدید می‌کند؛ اما ابعاد دیگری از پایداری و اعتبار را تضمین می‌نماید (پرلشتاین^۲ و دیگران ۲۰۱۰، ۹۰-۹۱). در واقع استمرار کاربرد به عنوان معیاری از اصالت قابل بررسی است (پدرام و همکاران ۱۳۹۰، ۴). وجود کارکردهای متنوع و گاهی تلفیقی، به درک جدیدی از فضا در میراث مسکونی می‌انجامد که خود عاملی بر ایجاد شناسه‌های تنوع آفرین بوده است.

بررسی اسناد بین‌المللی و معیارهای تعریف‌شده در آن‌ها برای ارزیابی اصالت‌مندی آثار تاریخی، نشانگر تمرکز هر یک از آن‌ها بر خصوصیات محدودی از آثار است. در هر یک از این برخوردها اثر به منزله یک کل یکپارچه که علاوه بر داشتن پیکر مادی دارای ابعاد فراکالبدی نیز هست؛ مورد توجه قرار نگرفته و لاجرم بخشی از ارزش‌های اثر نادیده



و تنوع در عین وحدت یکی از شناسه‌های معماری ایران است (طهماسبی ۱۳۸۶، ۵۶). در جهانی که به طور فزاینده در معرض فشارهای جهانی‌سازی و همگون‌سازی است؛ تبیین مؤلفه‌های تنوع‌پذیری در میراث مسکونی، در وضوح بخشیدن به حافظه جمعی بشریت نقش به‌سزایی خواهد داشت.

همچنین برخلاف امروز در گذشته، معماران ایرانی همه تلاششان دستیابی به یک «نقشه برتر» نبوده است؛ بلکه نقشه یا شکل برتر یکی از ابزار آن‌ها برای ابراز پیام‌های دنیای معماران بوده است. دنیای معمار ایرانی پر از معانی بوده و او این معانی را در ابعاد مختلف بنا نشان داده است که این مسئله زمینه اصلی تنوع‌آفرینی در میراث مسکونی را موجب شده است (معماریان ۱۳۸۴، ۱۰۹). به عبارت دیگر میراث مسکونی به مثابه مقوله منفرد و انتزاعی و جهان شمول نیست. بلکه به خاطر تعدد مؤلفه‌های تأثیرگذار در ابعاد کالبد، کارکرد و محتوای آن، به مثابه مقوله‌ای تجربی، عینی، متکثر و متنوع است. به طوری که تاریخ، فرهنگ و زندگی گذشتگان ما همزمان در خانه‌های به جا مانده از آن‌ها تداعی می‌یابد.

۲. نظام طبقه‌بندی میراث مسکونی اصفهان

حیثیت هنر به خلاقیت و نبوغ هنرمند وابسته است. در گذشته حیات حرفه‌ای هنرمندان در حوزه مسکن نیز در گرو این بود که چیزی نو و دیگر گونه خلق کنند. در دورانی معماری شیوه‌ای نو آورد و معماران دیگر آن را پروردند و با گذر زمان سبک جدیدی پدید آمد. مورخان هنر ایرانی برای شناختن، تحلیل و گزارش کردن تاریخ هنر ایران، ناگزیر از طبقه‌بندی و تقسیم‌بندی استفاده کرده‌اند. در هر طبقه‌بندی بخشی از واقعیت‌ها نادیده گرفته می‌شود. اندیشه‌های آفرینش میراث مسکونی اصفهان نیز، در زمان پیدایش، همانند گونه‌های دیگر معماری ایرانی، مکتوب نشده است. امروز برای شناخت ابعاد متنوع خانه‌های تاریخی اصفهان و تبیین الگوهای حفاظت، طبقه‌بندی و تعیین مؤلفه‌های کثرت‌زا در این خانه‌ها ضرورت دارد.

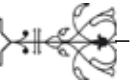
طبقه‌بندی میراث مسکونی بدون توجه به ارزش‌های فراکالبدی چیزی جز گونه‌شناسی بدون روح نیست؛ زیرا

گرفته شده و فدای بخش دیگر می‌شود. در این میان فقدان نگاهی جامع که بتواند اثر را با حداکثر اصالت و توجه به تمامی وجوه تنوع‌آفرین آن حفظ کند؛ همچنان احساس می‌شود (پدرام و همکاران ۱۳۹۰، ۷-۶).

رأی‌پورت معتقد است یک بنا، بیانگر تداخل عوامل تأثیرگذار پیچیده و پرشمار و کنش و واکنش متقابل آن‌ها است (معماریان ۱۳۸۴، ۳۷۷-۳۷۶). زیرا اگر آفرینش بنا تحت تأثیر عوامل محدودی بود؛ در یک اقلیم خاص و یک محدوده جغرافیایی معین، گوناگونی مسکن وجود نداشت. به عنوان مثال در آمریکای جنوبی که خاستگاه معماری درون‌گرا و ساخت خانه‌های حیاطدار نبوده؛ خانه‌های تاریخی با حیاط مرکزی بازشناسی شده و یا در شهر زواره در سه خانه در همسایگی یکدیگر سه گونه متنوع در نظام کالبدی خانه به صورت «چهارصفه»، «حوضخانه‌ای» و «ایوان‌دار» مشاهده می‌شود (معماریان ۱۳۸۴، ۳۸۳-۳۷۸). با توجه به قواعد فلسفی ملاصدرا، هر جا سخن از وحدت است؛ پای وجود به میان می‌آید و هر جا سخن از کثرت است پای ماهیت در میان است (حسینی شاهرودی و وطن‌دوست ۱۳۹۳، ۱۰۲). طبق اصل وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت تشکل وجود، اگرچه خانه‌های تاریخی شهر اصفهان کثیرند؛ واحدند؛ و اگرچه واحدند؛ کثیرند. نظام طبقه‌بندی در این میراث خانگی باید به گونه‌ای سازماندهی شود که به رغم خواناسازی وجوه وحدت آفرین به تبیین وجوه تنوع‌آفرین نیز بپردازد.

میرمیران درباره تنوع و گونه‌گونی در میراث فرهنگی ایران معتقد است: «هویت تاریخی- کالبدی- فرهنگی متبلور در معماری و کالبد شهرهای تاریخی ایران آشکارترین، بزرگترین و واجد تنوع و گونه‌گونی بسیار در بین سایر جنبه‌های فرهنگ و هویت ملی است. عمق این وجه ممیز هویتی جامعه ایران، آنگاه بیشتر نمود می‌یابد که واکاوی گردد در بین تمدن‌های کهن تنها ایران است که از گذشته قبل از تاریخ تا اوایل قرن حاضر علی‌رغم همه افت و خیزهایی که جامعه به خود دیده؛ سنت معماری و شهرسازی آن تداوم و نوزایی داشته است (میرمیران ۱۳۸۳). همچنین از نظر پوپ معماری ایران شش هزار سال پیوستگی دارد





در شکل‌گیری کالبد هر خانه عوامل بسیاری تأثیرگذار بوده است. این عوامل گاهی باعث به وجود آمدن عناصر و فضاهای معماری و الگوهای ترکیب و نحو فضایی نادر شده و با تأثیر شگرف آن‌ها، نظام کالبدی متنوع و متمایزی از یک گونه معماری در محدوده جغرافیایی مشخص رقم خورده است. از آن جایی که جهان‌بینی، باورها، آیین‌ها و موقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی و نبوغ سازندگان به گونه‌ای در آثار هنری هر عصر بازتاب پیدا می‌کند؛ و ممکن است روح تازه‌ای به کالبد اثر معماری بدهد؛ در راستای تبیین مصادیق تنوع‌آفرینی در نظام کالبدی میراث مسکونی اصفهان به تحلیل عوامل تأثیرگذار اقلیم، مذهب، موقعیت اجتماعی مالک و خرده فرهنگ‌های قومی پرداخته شد.

۱-۳. اقلیم

پاسخ‌گویی به شرایط اقلیمی و بستر قرارگیری، به‌رغم ایجاد «الگوهای مشابه» در کالبد خانه‌های تاریخی اصفهان، مخصوصاً خانه‌هایی که در دوره تاریخی مشابه خلق شده‌اند؛ سبب بروز وجوه خلاقانه‌ای در ابعاد کالبدی این خانه‌ها شد که این نوآوری، زمینه‌های تمایز و تکرار را ایجاد نموده است. در واقع اگر مفهوم «سکونت» را نوعی تلاش انسان برای کنترل و تسلط بر محیط اطراف و روابط انسانی دانست (مهدوی‌نژاد ۱۳۹۲، ۳۸)؛ می‌توان به این نتیجه رسید که انسان برای دستیابی به این تسلط چندجانبه، همواره به دنبال آفرینش اجزا و عناصری نوین و خلاقانه بوده که این مسئله، منجر به پیدایش نظام تنوع‌آفرینی در حوزه میراث مسکونی شده است. حضور عنصر بادگیر در کمتر از ۱۰ درصد خانه‌های تاریخی اصفهان (قاسمی سیچانی و دیگران ۱۳۹۵، ۷۸)، یکی از عناصر خلاقانه‌ای است که در راستای همسانی هرچه بیشتر میراث مسکونی با شرایط آب‌وهوایی گرم و خشک اصفهان طراحی شده و زمینه تمایز قابل توجهی را در نظام طبقه‌بندی الگوهای کالبدی ایجاد می‌نماید. به طوریکه در طبقه‌بندی‌های میراث مسکونی اصفهان، رده‌ای با عنوان «خانه‌های بادگیردار» قابل بازشناسی است (تصویر ۱). همچنین تبدیل گوشه‌ها و کنج‌ها

ارزش‌های فراکالبدی خانه‌های تاریخی بخشی از فرهنگ و تاریخ اجتماعی ملت‌ها است و هرگونه طبقه‌بندی بدون نظر گرفتن این وجوه در تدوین مبانی نظری حفاظت جامع از بافت‌های تاریخی مسکونی نقش بسزایی نخواهد داشت. در واقع شاخص‌سازی‌های شکلی کالبدی بر مبنای وجوه وحدت‌آفرین در نظام طبقه‌بندی میراث مسکونی، باعث نابرابری فرصت‌ها در برنامه‌ریزی‌های حفاظت شده است. از این جهت برای دستیابی به مبانی نظری حفاظت جامع که بتواند از تمامی وجوه میراث مسکونی اصفهان در الگوهای کالبدی، کارکرد و محتوا صیانت کند؛ باید معیارهای دقیقی برای نظام طبقه‌بندی تبیین نمود. تبیین معیارهای تنوع‌آفرین در ارزش‌گذاری خانه‌های تاریخی علاوه بر اینکه به حفاظت جامع تک‌بنای تاریخی می‌انجامد؛ بلکه حفظ انسجام اجتماعی بافت‌های تاریخی را به دنبال خواهد داشت. راهکار توجه به وجوه تنوع‌آفرین در مبانی حفاظت از میراث مسکونی در عین احترام به وجوه وحدت‌آفرین، خلق نظام طبقه‌بندی هماهنگ را به دنبال دارد که در آن تبیین همه ارزش‌ها در سطوح کالبدی، کارکرد و محتوا از فرصت‌های یکسانی برخوردار باشد.

تاکنون گونه‌شناسی‌ها در حوزه میراث مسکونی اصفهان با تأکید بر «شکل‌شناسی» و محور قرار دادن «تحوّلات تاریخی» انجام شده است. بررسی قدمت بنا و ارائه طبقه‌بندی‌های مبتنی بر بازه‌های تاریخی در تدوین مبانی حفاظت چندان راهگشا نیست؛ چرا که اولاً بسیاری از خانه‌های تاریخی فاقد نشانه‌هایی از تاریخ خلق و آفرینش‌شان هستند و دوم آنکه عموماً به دلیل پویایی کاربری در طی قرون دچار تغییرات کالبدی شده‌اند؛ به طوری که تمامی اجزا و عناصر خانه را نمی‌توان به تاریخ پیدایش آن نسبت داد. بنابراین در تبیین نظام طبقه‌بندی جامع و مبتنی بر وجوه کالبدی و فراکالبدی خانه‌ها، باید به جای اتکای صرف بر تاریخ‌نگاری به سمت تحلیل عوامل کالبدی و محتوایی موجود در بستر اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و معماری بنا گام برداشت.

۳. عوامل تأثیرگذار در ایجاد تمایز و تنوع‌آفرینی میراث مسکونی اصفهان



تنها در خانه بازشناسی شده خانه سیفوقاسمی^۵ الگوی گودال باغچه مشاهده می شود که به نوعی ناهماهنگی با شرایط اقلیمی، منجر به تنوع در نظام کالبدی خانه های تاریخی اصفهان شد و در نظام طبقه بندی دسته ای با عنوان «خانه هایی با الگوی گودال باغچه» در شهر اصفهان قابل بازشناسی است (تصویر ۲). همچنین معماران ایرانی برای برقراری سازگاری بیشتر با اقلیم به این نکته دست یافته بودند که فضاهای پشت به آفتاب و روبه آفتاب باید در دو سوی محور اصلی بنا - که در شهر اصفهان محور شمالی - جنوبی است - قرار گیرند (معماربان ۱۳۸۴، ۴۰) ولی در برخی نمونه های اندک محور اصلی بنا محور شرقی - غربی است که این ناهماهنگی با الگوهای اقلیمی نیز بستر زمینه خلق وجوه تمایز در میراث مسکونی را فراهم نموده است (جدول ۱، و نمودار ۲).

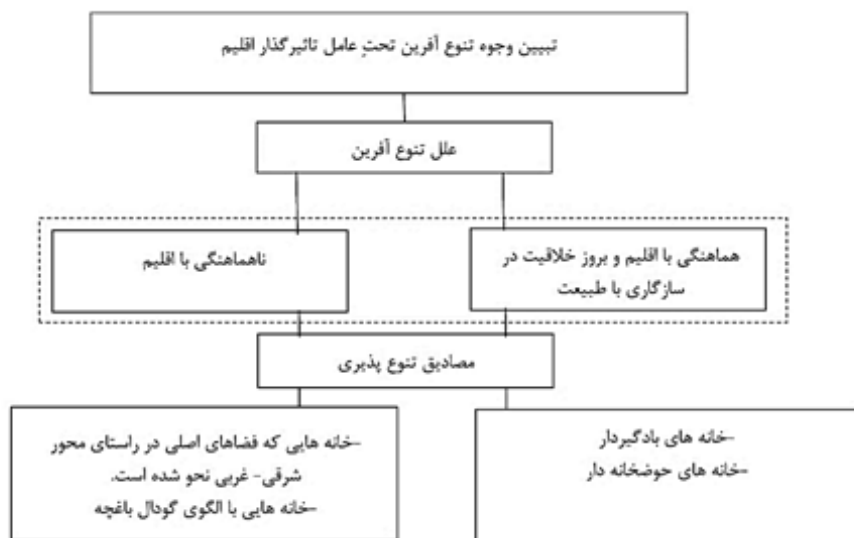
که فاقد نورگیری از طریق جداره ها می باشند؛ به فضای حوضخانه با نورگیری از سقف و تعبیه حوض در مرکز فضا و آفرینش فضایی مطبوع برای روزهای گرم سال از دیگر تمهیدات خلاقانه معماران برای سازگاری کالبد خانه های تاریخی با اقلیم گرم و خشک بوده است. «خانه های حوضخانه دار» نیز نسبت به سایر خانه های تاریخی اصفهان دارای وجه تمایز در نظام کالبدی و نحو فضایی هستند. از نمونه «خانه های حوضخانه دار» در شهر اصفهان، می توان به خانه های وثیق انصاری^۳ و حاج مصورالملکی^۴ اشاره نمود. در برخی موارد نیز ناهماهنگی با اقلیم و بستر قرارگیری، خود موجب ایجاد الگوهای متمایز در نظام کالبدی و نحو فضایی شده است. انتظام فضاهای خانه به گونه گودال باغچه در شهر اصفهان به خاطر بالا بودن سطح آب های زیرزمینی متداول و همسان با شرایط بستر و اقلیم نبوده است. از این جهت



تصویر ۲. خانه سیفوقاسمی با الگوی گودال باغچه (نصرآبادی ۱۳۹۴)



تصویر ۱. خانه بادگیردار باجغلی^۶ (نصرآبادی ۱۳۹۱)



نمودار ۲. تبیین وجوه تنوع آفرین تحت عامل تأثیرگذار اقلیم (مأخذ: نگارندگان ۱۳۹۶)



جدول ۱. وجوه تنوع آفرین در خانه‌های تاریخی اصفهان تحت عامل تأثیرگذار اقلیم (مأخذ: نگارندگان ۱۳۹۷)

نام خانه	مصادیق تنوع-پذیری	مستندات ترسیمی
خانه باجغلی	خانه بادگیردار	
خانه وثیق انصاری	خانه حوضخانه‌دار	
خانه حاج مصورالملکی	خانه حوضخانه‌دار	
خانه سیف‌ورقاسمی	خانه با الگوی گودال باتوجه	

۲-۳. مذهب

تحت تأثیر ادیانی از جمله یهودیت، مسیحیت، زرتشت در بافت‌های تاریخی این شهر یافت می‌شود. از این جهت مذهب و باورهای اعتقادی نیز منجر به ایجاد الگوهای کالبدی متمایز و تنوع‌آفرینی در نظام کالبدی خانه‌های تاریخی اصفهان شده است. طراحی خانه‌های تاریخی

راپاپورت مذهب را یکی از عوامل اصلی در شکل‌گیری فرم خانه می‌داند (معماریان ۱۳۸۴، ۳۶۸-۳۹۸). به خاطر ساختار متنوع قومی شهر اصفهان، با وجود حاکمیت یک مذهب اصلی در بسیاری از ادوار تاریخی، آثار معماری





است (قاسمی سیچانی ۱۳۸۷، ۱۵۰-۱۴۹). اسلام به صرف هزینه‌های بیش از حد برای تزئینات و مصالح گران قیمت در نمای بیرونی ساختمان به منظور متمایز نمودن خود از دیگران و یا متمایز نمودن خانه‌ها از یکدیگر مخالف است. نمای بیرونی خانه نباید نمایشی از ثروت و تفاخر صاحب آن بوده و باعث غبطه خوردن همسایگان و عابران شود. این نکته در اغلب خانه‌های سنتی مسلمانان مشاهده می‌شود. از این جهت اکثر ورودی خانه‌های تاریخی مسلمان‌نشین اصفهان ساده و بی‌آرایه است و عدم رعایت این اصل در معدود خانه‌های مسلمانان مخصوصاً در اواخر قاجار تحت تأثیر معماری غربی، سبب تنوع در آفرینش نظام کالبدی مسکن شده است. همچنین با توجه به برونگرایی در فرهنگ آرامنه، در سطح محله ارتباط خانه‌های آرامنه با عرصه‌های عمومی و شهری بیشتر بوده و ایوان‌های رو به گذر زیادی از دوره قاجاریه در مسکن آرامنه به چشم می‌خورد (تصویر ۳). این در حالی است که در بافت جوباره و مسلمان‌نشین چنین پدیده‌ای در آن دوران نادر است. خانه‌های یهودیان نیز باید در ارتفاع کمتر و حقیرتر از خانه‌های مسلمانان ساخته می‌شد. از سوی دیگر، فرم کنیسا، باید بلندترین و شاخص‌ترین عنصر معماری جامعه یهودیت باشد. این اعتقادات باعث شد خانه‌های یهودیان برخلاف ویژگی‌های اقلیمی اصفهان و بالابودن سطح آب‌های زیرزمینی، در عمق زمین ساخته شود و به خاطر آیین مذهبی آن‌ها فضایی به نام «میقوه» در خانه‌های یهودیان وجود دارد که از وجوه کالبدی تنوع‌آفرین خانه‌های یهودیان نسب به سایر خانه‌ها است (تصاویر ۴ و ۶) (قاسمی سیچانی ۱۳۸۷، ۱۷۸).



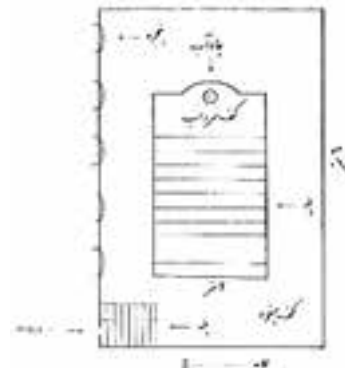
تصویر ۳. برونگرایی در خانه ست‌مایل (میناسیان) ۱۰ جلفای اصفهان

اصفهان به صورتی بوده که امکان انجام الگوهای رفتاری شریعت را در هماهنگی با ارزش و عقاید مذهبی ساکنین فراهم ساخته است. به عبارتی دیگر جریان داشتن روح دینی در میراث مسکونی اصفهان، منجر به رعایت برخی اصول مانند محرمیت، طهارت و... شده که رعایت این اصول وجوه کالبدی و انتظام فضایی متنوعی را در خانه‌های تاریخی اصفهان خلق نموده است. از این جهت تنوع و تمایز در وجوه کالبدی خانه‌های تاریخی که مالکان آن‌ها مسلمان بوده با خانه‌های تاریخی آرامنه، یهودیان و زرتشتیان مشاهده می‌شود.

خانه‌های مسلمانان دارای جهت‌گیری مقدس (قبله) است؛ لذا جبهه اصلی در خانه‌های مسلمان‌نشین اصفهان، غالباً جبهه شمالی (جبهه رو به قبله) است. ولی این جهت‌گیری در خانه‌های آرامنه جلفا صدق نمی‌کند و در این خانه‌ها جبهه اصلی در بخش جنوبی واقع شده است. از این جهت موقعیت قرارگیری بخش اصلی خانه یکی از وجوه تمایز و تنوع‌آفرین خانه‌های آرامنه نسبت به خانه‌های مسلمانان است.

بررسی پیمایشی از خانه‌های اصفهان نشان داد که تمامی خانه‌های مسلمانان اصفهان از بزرگ‌پیمون تا خردپیمون، دارای حوض و غالب آن‌ها دارای منبع و دستک (برخی خانه‌های کنار مادی‌های اصفهان فاقد منبع و دستک) بوده‌اند. همچنین ابعاد حوض در خانه‌های مسلمانان به گونه‌ای تعیین می‌گردد که مقدار آب موجود در آن از حداقل مقدار کر بیشتر باشد. اما به دلیل اینکه در فرهنگ آرامنه تطهیرکنندگی آب اهمیت چندانی ندارد؛ معمولاً به حوض به عنوان عنصری لازم و ضروری در فضای حیاط توجه نشده و در اغلب خانه‌های آرامنه (مانند خانه سوکیاس^۷ و ایوبی^۸) حوض آبی دیده نمی‌شود. در این خانه‌ها معمولاً استفاده مستقیم از چاه آب در حیاط انجام می‌شده است. در حیاط کلیساها نیز حوض آب به علت عدم اهمیت ارزش عملکردی و نمادین آب و طهارت برای آرامنه وجود ندارد و تنها استفاده از آب در محوطه کلیساها برای سرویس بهداشتی و حوضچه بسیار کوچک غسل تعمید در دیواره غربی نمازخانه بوده است. اهمیت آب در خانه‌های مسلمانان از دیگر وجوه تمایز خانه‌های مسلمانان با آرامنه

براساس فرهنگ اسلامی موسیقی و بسیاری از ادوات آن حرام بوده است. این مسأله باعث شد که به جز تالارهای موسیقی شاهان صفوی در عالی قاپو و هشت بهشت در هیچ یک از خانه های مسلمانان اصفهان تا دوره معاصر، فضای خاصی برای اجرای موسیقی ساخته نشود. این در حالی است که نگرش آرامنه به موسیقی متفاوت است و اجرای آن در کلیساها هنگام برگزاری مراسم عبادی و در خانه ها معمول بوده است. از این جهت در برخی خانه های آرامنه جلفا مانند سوکیاس و مارتاپیترز^{۱۲}، تالارهای موسیقی شبیه تالار موسیقی عالی قاپو وجود دارد؛ و تا دهه های پیش نیز در آن موسیقی اجرا می شده است. به این فضا «چینی خانه» با تزئینات تنگ بری می گفتند (تصویر ۵) (قاسمی سیچانی ۱۳۸۷، ۱۵۰). در برخی خانه های آرامنه مانند خانه سوکیاس، مارتا، استپانیان فضایی برای درست کردن شراب به نام چرخشت وجود داشته است که همانندی در خانه ها مسلمان نشین ندارد و از وجوه تنوع آفرین در میراث مسکونی اصفهان است. برگزاری تعزیه و آیین های عزاداری و روضه خوانی در خانه های مسلمانان نیز، سبب پیدایش ایوانی تقریباً نوظهور با تناسبات منحصر به فرد در خانه شیخ الاسلام^{۱۳} بوده است. فضای گسترده و یکپارچه ایوان بدون عناصر انبوه میانی، صحنه ای مناسب برای وجوه نمایشی عزاداری به ویژه تعزیه یا نخل گردانی ایجاد نموده است (جدول ۲، و نمودار ۳).



تصویر ۴. طرحی از میقوه خانه امانوئل (شفقی ۱۳۸۱، ۴۶۵)

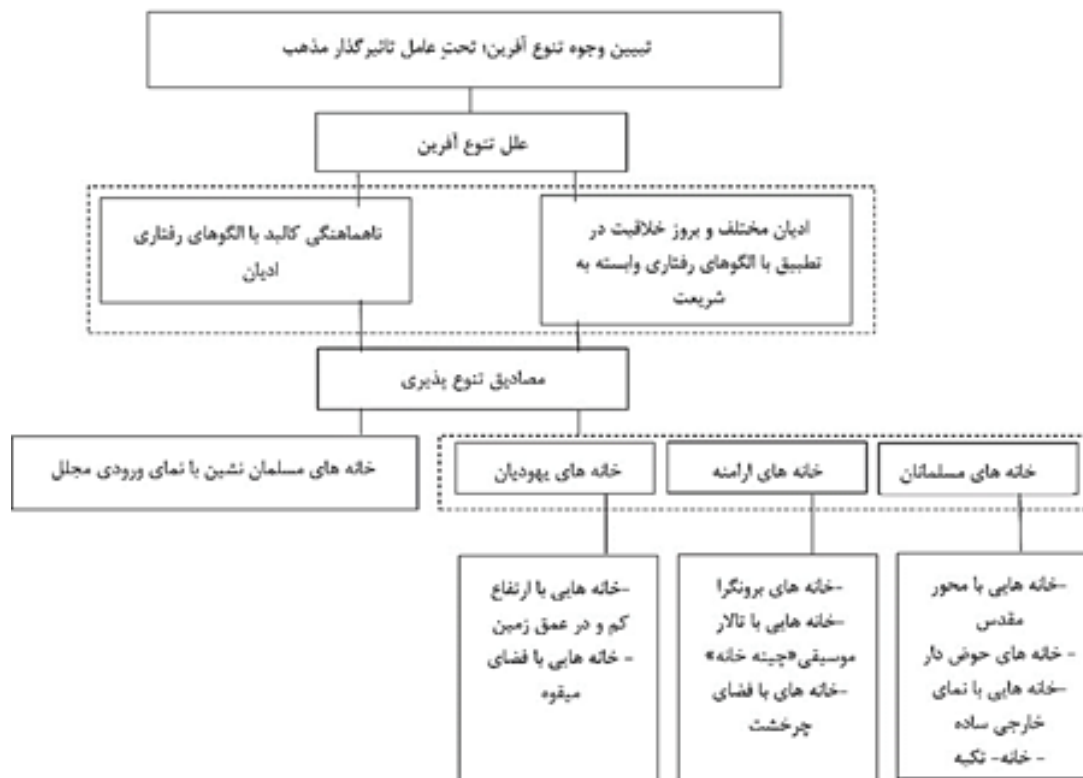


تصویر ۵. فضای چینی خانه در خانه سوکیاس (آرشیو سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی اصفهان ۱۳۸۸)



تصویر ۶. میقوه خانه کنیسه خورشیدی ۱۱ (عرب ۱۳۹۷)






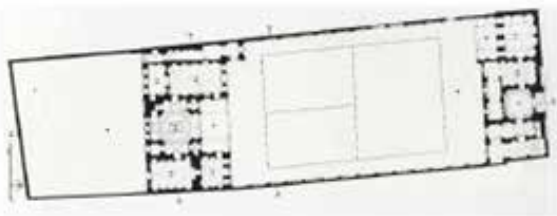

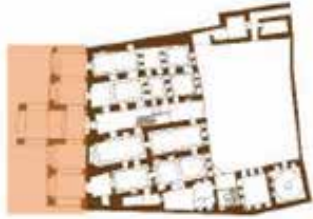
نمودار ۳. تبیین وجوه تنوع آفرین، تحت عامل تأثیرگذار مذهب (مأخذ: نگارندگان ۱۳۹۶)

جدول ۲. وجوه تنوع آفرین در خانه های تاریخی اصفهان تحت عامل تأثیرگذار مذهب (مأخذ: نگارندگان ۱۳۹۷)

نام خانه	مصادیق تنوع-پذیری	مستندات ترسیمی
خانه- کنیسه خورشیدی	خانه میقوه دار	





 <p>پلان طبقه همکف</p>	<p>خانه شیخ الاسلام</p> <p>خانه با ایوان مخصوص برگزاری تعییه (خانه-تکیه)</p>	
 <p>پلان طبقه همکف</p>	<p>خانه سوکیا</p> <p>حیاط خانه بدون حوض (خانه ارمنی نشین)</p>	
 <p>پلان طبقه همکف</p>	<p>خانه ایوبی</p> <p>حیاط خانه بدون حوض (خانه ارمنی نشین)</p>	
 <p>پلان طبقه همکف</p>	<p>خانه ست مایل</p> <p>برون گرایبی در گذر</p>	

در بسیاری از کشورهای اروپایی از جمله انگلستان، استفاده از حمام خانگی عمومیت نداشت. براساس این سرشماری نیمی از خانه‌ها حمام نداشتند و از حمام‌های عمومی و شستشوخانه استفاده می‌کردند. استحمام عموماً امری هفتگی بود؛ جز اشراف که گفته می‌شد هفته‌ای دو و حتی سه بار دوش می‌گیرند. مردم اشراف را به همین سبب به

۳-۳. موقعیت اجتماعی و شغل مالک خانه
طبقه اعیان بر اساس موقعیت اجتماعی در دوران صفوی و قاجار به چهار دسته کلی عاملین حکومت، تجار و صاحبان صنایع، ملاکین و روحانیون تقسیم‌بندی می‌شدند. وجوه تنوع‌آفرین و تمایز بسیاری در خانه‌های اعیان اصفهان قابل بازشناسی است. طبق آمار تا سال ۱۹۵۰ میلادی،



با ارتباطات گسترده با غرب، برون‌گرایی در خانه‌های مسلمانان غالباً به شکل تزئین و توجه بیشتر به نماهای پیرامون حیاط و سردرهای ورودی ظاهر گردید. اما در محله جلفا ساخت نمونه‌های برون‌گرا مانند خانه ست‌مایل (متعلق به یکی از تجار ارمنی) به‌گونه‌ای که بخشی از آن بر روی مادی پیش آمده و معبر عمومی از زیر آن می‌گذرد؛ مشاهده می‌شود. در دوره پهلوی اول نیز کاربرد الگوهای برون‌گرا و کوشک در خانه‌های صاحبان صنایع اصفهان رحیم‌زاده^۶، عطاالملک دهش^۷ رایج می‌گردد (قاسمی سیپجانی ۱۳۸۷، ۱۲۲). به عبارتی الگوی برون‌گرایی غالباً در خانه‌های اعیان اصفهان مشاهده شده و از مظاهر تنوع‌آفرینی در میراث خانگی اصفهان است (تصاویر ۶ تا ۸).



تصویر ۶. خانه صیرفیان‌پور (قاسمی سیپجانی ۱۳۸۷)



تصویر ۷. خانه دهش (حریری ۱۳۹۱)

طور طعنه‌آمیزی «طبقه مرغابی» نیز می‌نامیدند. در دهه ۱۹۶۰ میلادی، تعداد خانه‌های بدون حمام در انگلستان از ۳/۲ میلیون به ۱/۵ میلیون کاهش یافت (فاضلی ۱۳۸۶، ۴۹). در ایران نیز داشتن حمام سرخانه مخصوص خانه‌های اعیان بوده است. به طوریکه تاورنیه در این باره می‌نویسد: «به حمام عمومی رفتن، مخصوص فقرا و طبقه سوم است که استطاعت داشتن حمام مخصوص در خانه را نداشته باشند (تاورنیه ۱۳۶۳، ۶۲۸)، مردمان متشخص هر کدام در خانه خود حمامی مخصوص دارند» (تاورنیه ۱۳۶۳، ۶۲۱). از وجوه تنوع‌آفرین در خانه‌های تاریخی اعیان اصفهان «خانه‌ها با حمام سرخانه» است.

همچنین به علت ساختار ارگانیک شهر اصفهان، نظام تقسیم‌بندی و پلاک‌بندی خانه‌های سنتی متناسب با زمین‌های کشاورزی بوده و غالباً این خانه‌ها بر زمین‌هایی با شکل هندسی نامنظم ساخته شده‌اند. حیاط با شکل هندسی منظم نقش سازماندهی برای سایر فضاها را داشته؛ به عبارتی هندسه در بیرون نامنظم و در درون منظم بوده است. مطالعات پیمایشی در محله جلفا نشان داد که غالب شکل پلاک خانه‌های اشراف و ثروتمندان منسوب به دوره صفوی، به صورت مستطیلی و دارای هندسه منظم بوده (مانند خانه سوکیاس و خواجه‌پطرس^{۱۴})؛ و زمین خانه‌های مربوط به ائمه متوسط و پایین جامعه به صورت نامنظم تفکیک شده است (قاسمی سیپجانی ۱۳۸۷، ۱۱۵-۱۱۴). از دیگر وجوه تنوع‌آفرین که تحت عامل تأثیرگذار موقعیت اجتماعی مالک تجلی می‌یابد؛ هندسه زمین خانه است. خانه‌های برخی اعیان دارای نظام تقسیم‌بندی منظم در زمین بوده در حالی که غالب پلاک‌بندی خانه‌های تاریخی اصفهان در دوران صفوی و قاجار به صورت ارگانیک و نامنظم بوده است.

شواهد تاریخی معماری اصفهان نشان می‌دهد که الگوی کالبدی رایج در معماری مسکونی این شهر درون‌گرا بوده؛ و در پاره‌ای موارد برون‌گرایی مشاهده می‌گردد. گونه برون‌گرا در دوره صفویه برای خانه‌های تابستانی شاهزادگان و درباریان صفوی و تجار بزرگ ارمنی (مانند خانه مارتا پیترز و آقا کمال^{۱۵}) به کار می‌رفته‌است. در دوره قاجار همزمان

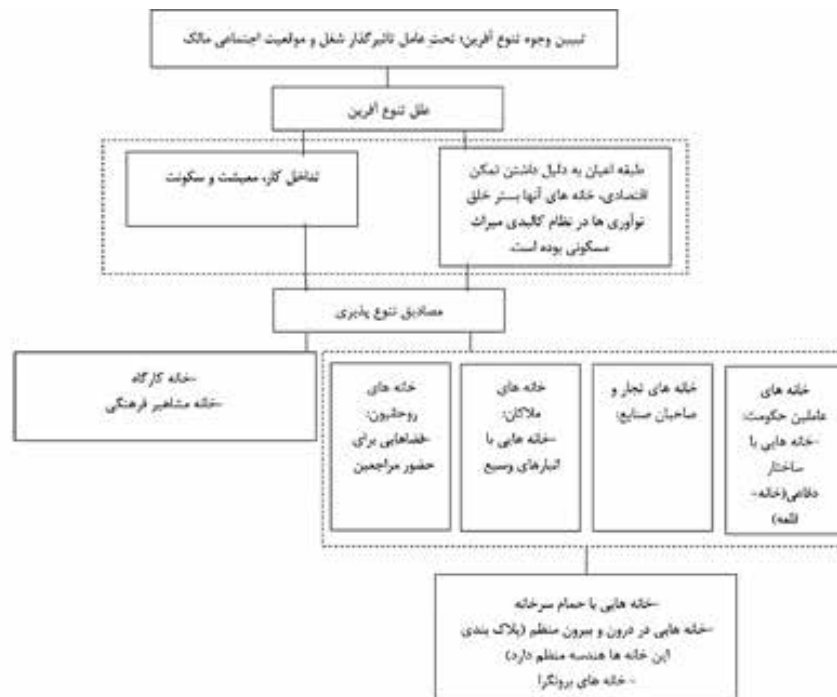


موقعیت اجتماعی آن در خانه مشاهده نمی‌شود. اما در برخی از نظام‌های کالبدی بازشناسی شده در خانه‌های تاریخی اصفهان، «کار، معیشت و سکونت» تداخل گسترده‌ای داشته؛ به طوری که برای «سکونت و کار» زمان و مکان‌های متداخلی در کالبد خانه شناسایی شده است. این خانه‌ها از «کارکردی چندگانه» برخوردار بوده‌اند و تأثیر زیادی بر نحو فضایی و ویژگی‌های کالبدی خانه داشته است. در واقع این گونه خانه‌ها علاوه بر آنکه مأوای مناسبی برای سکونت است؛ بخشی از فضای ضروری برای فعالیت اقتصادی مالک خانه نیز محسوب می‌شده است (مانند خانه بهشتیان^(۸)) (جدول ۲، و نمودار ۴).



تصویر ۸. خانه رحیم‌زاده (حریری ۱۳۹۴)

همچنین در اغلب خانه‌های تاریخی شهر اصفهان، فضای سکونت و کار مالک خانه از یکدیگر جدا بوده است. از این جهت معمولاً نشانه کالبدی وابسته به شغل مالک و




نمودار ۴. تبیین وجوه تنوع آفرین، تحت عامل تأثیرگذار شغل و موقعیت اجتماعی (مأخذ: نگارندگان ۱۳۹۶)


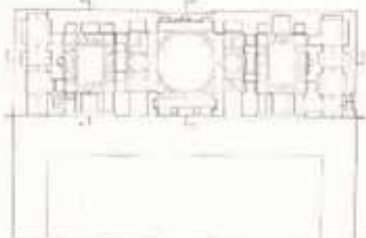




جدول ۳. وجوه تنوع آفرین در خانه های تاریخی اصفهان تحت عامل تأثیرگذار شغل و موقعیت اجتماعی (مأخذ: نگارندگان ۱۳۹۷)

 <p>نمای خارجی</p> <p>پلان طبقه همکف</p>	<p>خانه کوشک</p>	<p>خانه رحیم زاده</p>
 <p>پلان طبقه همکف</p>	<p>خانه- کارگاه (عماری سرکه)</p>	<p>خانه بهشتیان</p>
 <p>پلان طبقه همکف</p>	<p>دارای فضای حمام سرخانه</p>	<p>خانه لباف</p>
<p>مستندات ترسیمی</p>	<p>مصادیق تنوع- پذیری</p>	<p>نام خانه</p>
 <p>پلان طبقه اول</p>	<p>خانه کوشک (برونگرا)</p>	<p>مارتاپیترز</p>



 <p>پلان طبقه همکف</p>	خانه کوشک (برونگرا)	خانه آفاکمال
 <p>پلان طبقه همکف</p>	هندسه منظم در پلاک بندی	خانه خواجه پطروس

خویشاوندی، مذهب، زبان، سرزمین و خصوصیات ظاهری و فیزیکی مشترک می باشد که هویت گروهی آنان را از گروه های دیگر متمایز می سازد (بالمر^{۱۹}، ۱۹۸۶، ۵۴). برخی از این عناصر سمبلیک مانند مذهب در مسکن تاریخی شهر اصفهان وجوه تمایز و تفاوت عمده ای را در ابعاد کالبدی ایجاد نموده است. از آن جهت به صورت مؤلفه ی تأثیرگذار مستقلى مورد واکاوی قرار گرفت. عناصر سمبلیک دیگر نظیر ویژگی های کالبدی مسکن که اقوام مهاجر غالباً از سرزمین خود به محلی که به آن مهاجرت داده اند؛ انتقال می دهند؛ وجوه تمایز و تنوع عمده ای را در میراث خانگی شهرها ایجاد نموده است.

جلفای نوی اصفهان یکی از مراکز مهم مهاجرت و اسکان اقوام ارمنی بود. معماری مسکونی در محله جلفا اصفهان در بستری ظهور و رشد پیدا می کند که تلاقی دو فرهنگ ایرانی و ارمنی سبکی را عرضه می دارد که از زمینه های بروز تنوع در نظام کالبدی خانه های تاریخی اصفهان است. اغلب خانه های اعیانی و پر تزئین دوره صفوی اصفهان مربوط به محله جلفا است. همان طور که در فرمان شاه عباس سیمای خانه های جلفای قدیم (کنار رود ارس) به صورت خانه هایی با مخارج ساخت گزاف، در حدود ۲۰۰۰ تومان آمده است (دروهانیان ۱۸۸۱، ۴۶). این شیوه ساخت

۳-۴. خرده فرهنگ های قومی

شهر اصفهان در طول تاریخ همواره مورد تهاجم اقوام مختلف قرار گرفته است؛ با این وجود در اندک زمانی توانسته پاره ای از عناصر فرهنگ بیگانه را در خود حل کرده و در نهایت از این در آمیختگی، سبکی با ویژگی های خاص عرضه کند. از این رو، با نگاهی جامعه شناسانه به رفتارهای اجتماعی و فرهنگ بومی و وارداتی و همچنین بررسی ویژگی های قومیتی آن ها، می توان راهی به سوی پاسخ به دلایل وجودی و چرایی برخی وجوه تنوع آفرین میراث مسکونی اصفهان یافت. در واقع یکی از علل تنوع آفرین در نظام کالبدی میراث مسکونی اصفهان را می توان در ارتباط با فرهنگ اقوام گوناگون جویا شد. معماری به عنوان هنری کاربردی با درک حسی مخاطب ارتباط دارد و به عنوان وسیله ای کاربردی پاسخگوی نیازهای جسمی کاربر است. از این جهت معمار در مقام هنرمند در هر دوره ای تحت تأثیر روح زیبایی شناسی عصر خویش و رفتارهای قومی آن دوره قرار دارد. یک گروه قومی، اجتماع کوچکی از انسان ها در درون جامعه ای بزرگ تر است که به صورت «واقعی» یا «احساسی و ادراکی» دارای اصل و نسب مشترک، خاطرات مشترک و گذشته تاریخی- فرهنگی مشترک است. همچنین دارای یک یا چند عنصر سمبلیک نظیر



سبک متفاوت در معماری مسکونی اصفهان می شود که ناشی از تفاوت ها در شیوه زندگی و عادت های رفتاری این قوم بوده است. آرامنه حتی به تقلید بستر طبیعی سرزمین خویش که تاکستان های انگور فراوانی داشتند؛ در باغچه خانه های جلفای نو به کاشت درخت انگور مبادرت ورزیدند. به دلیل منع ورود مسلمانان به جلفای نو اصفهان در دوران شاه عباس اول، اهالی جلفای نو، با آزادی بیشتری می توانستند خانه های خود را مطابق با آداب و رسوم خود بنا نهند (آبوزیان ۱۳۷۸، ۴۷۶)؛ و در خانه های این دوره وجوه تمایز بیشتری با سایر خانه های اصفهان قابل واکاوی است.

یکی از اقوام دیگری که نفوذ فرهنگ آن ها باعث ایجاد زمینه های تنوع و تمایز در نظام کالبدی خانه های تاریخی اصفهان شده؛ قوم بختیاری است. بخشی از سرزمین اقوام بختیاری از ناحیه شمال و شرق به شهر اصفهان منتهی می شد. در اواخر دوران قاجار، همزمان با پیروزی انقلاب مشروطه و خلع ظل السلطان و حاکمیت نماینده ایل بختیاری در اصفهان، حضور و مهاجرت بختیاری ها در شهر اصفهان گسترش می یابد. به دلیل ارتباط گسترده فرهنگی بین شهر اصفهان و مناطق بختیاری و حضور آن ها در این بازه زمانی، الگوی مسکن این قوم - که معروف به «کردی» بود- در اصفهان رایج شد. این الگو تغییر عمده ای در شیوه زندگی و نظام کالبدی خانه ها ایجاد نمود. خانه کردی یا خانه منطقه کوهستانی، خانه ای است که مانند خانه های منطقه کوهستانی دو بخش کوچکی خانه (زمستان نشین و تابستان نشین) روی هم قرار می گیرد. این خانه ها ملهم از خانه های کوهستانی منطقه بختیاری دهکرد، جونقان و چالستر هستند که به خاطر اقلیم پربرف منطقه و ارتفاع زیاد برف، با کرسی بلند و سنگ ساخته می شدند. در این دوره خانه های اشرافی خوانین بختیاری با الهام از مسکن آنها در مناطق بختیاری و با امکانات نیروی محلی و هنرمندان اصفهان ساخته شدند (قاسمی سیپانی ۱۳۸۸، ۶۶). در این خانه ها به رغم یافت وجوه تنوع آفرین در نظام کالبدی، شیوه زندگی و کوچ فصلی نیز دچار تغییرات عمده ای می شود (تصاویر ۱۰ و ۱۱).

خانه توسط آرامنه در شهر اصفهان نیز دنبال می شود و خواجه های آرامنه، خانه قصرهای باشکوهی را احداث می کنند. ساخت اتاق های با فرم صلیب (خانه زول^{۲۰}) از دیگر وجوه تمایز خانه های آرامنه است. همچنین خانه های صفوی و قاجاری شهر اصفهان در درون نیز درون گرا بوده اند. بدین معنا که غالباً نماهای پیرامون حیاط نیز ساده و به دور از آرایه های تزئینی بوده است. اما خانه های آرامنه در جلفا به خاطر داشتن روح تلفیقی هنر ایرانی و فرهنگ ارمنی در عین درونگرایی مظاهری از برونگرایی را نیز عرضه می کنند. به طوری که غالباً نماهای پیرامون حیاط در خانه های آرامنه ساده نیست و با تزئینات از جمله آجرکاری مزین است. وجود ایوان های مشرف به گذرگاه عمومی در خانه های جلفای نو اصفهان مؤید برونگرایی است.

همچنین کتیبه نگاری در مسکن تاریخی شهر اصفهان چندان رایج نبوده است؛ اما در خانه های آرامنه کتیبه هایی با مضامین وقایع تاریخی که در خانه اتفاق افتاده و یا شرح زندگی، اشاره به مالکان خانه به وفور مشاهده می شود؛ و تعدادی از کتیبه های خانه های تخریب شده نیز در موزه کلیسای وانک نگهداری می شود. از این جهت، می توان کتیبه نگاری در خانه های آرامنه را یکی از وجوه تمایز آنها نسبت به دیگر خانه های شهر اصفهان دانست (تصویر ۹). همچنین سنت به کارگیری نقشمایه های پیکری (فیگوراتیو) یکی از وجوه شاخص تمایز خانه های آرامنه با سایر خانه های اصفهان است که در آن تصاویر افراد مقدس (حضرت مریم)، رجال حکومت (شاه عباس)، چهره مالکین خانه ها و نوازندگان مشهور ارمنی دیده می شود. نقاشی های دیواری به سبک اروپایی در خانه های ارمنیان جلفای اصفهان - که از تفاوت های چشمگیر با خانه های دیگر نقاط شهر اصفهان محسوب می شود- ناشی از وجود نقاشان مشهور تحصیل کرده در اروپا، و همچنین، ارتباط اروپاییان و سفرای آن خطه با ارمنیان جلفا، به دلیل اسکان در این شهرک مسیحی بوده است (قازاریان ۱۳۶۳، ۸۳). در واقع آمیختگی فرهنگ قومی آرامنه با فرهنگ و هنر ایرانی سبب پیدایش



انواع و اقسام آلات جدید و سوغات‌های بدیع به کشور بازمی‌گشتند. گراورها و عکس‌های کاخ‌ها و بناهای زیبا در غرب از جمله‌ی این سوغات‌ها بود که همراه این گروه به کشور آورده می‌شد و مورد استفاده معمارباشی‌ها قرار می‌گرفت؛ بدین ترتیب معماری کارت‌پستالی شکل گرفت و معمارباشی‌ها بدون این‌که از ویژگی‌های این معماری آگاه باشند با مواد و مصالح و فنون محلی به تقلید پرداختند. «خارجیان مقیم ایران» هم عامل مهمی در گرایش به معماری غرب بودند. آنان غالباً به علل گوناگون در ایران حضور داشتند؛ گروهی اعضای سفارتخانه‌های دول خارجی چون روسیه و انگلیس بودند؛ عده‌ای تجار و بازرگانان خارجی بودند که به قصد تجارت به ایران سفر می‌کردند؛ عده‌ای عضو هیأت‌های میسیونری و مذهبی بودند که به قصد تبلیغ دین به ایران سفر می‌کردند؛ گروهی جهانگرد بودند که به قصد بازدید از شرق به سرزمین افسانه‌ای ایران سفر می‌کردند؛ و گروهی از خارجیان هم مستشاران و مشاوران نظامی و مالی بودند که توسط دولت وقت قاجار برای سامان‌بخشی به امور کشور از قبیل امور مالی، نظامی و... وارد ایران می‌شدند. غربیان در ترویج فرهنگ و معماری و اصول زندگی غربی نقش بسیار مهمی داشتند؛ و سفارتخانه و کنسولگری دولت آنها، خانه‌های سفرا و ساختمان‌های انجمن میسیونری یا مراکز وابسته به این انجمن‌ها، مکان‌هایی برای ترویج معماری غربی در ایران بودند و جامعه‌ی ایرانی را دستخوش تحول کردند. تأثیرات هنر و معماری غربی بیش از همه در تزئینات خانه‌های قاجاری منجر به خلق زمینه‌های تمایز و تنوع گردید. مبلمان تاشو متصل به دیوارهای تالار مرکزی خانه امین که با ایده غربی و مبتنی بر هنرهای دستی ایران چون منبت و خاتم اصفهان شکل گرفته است؛ از اولین مبلمان‌های بکار رفته در خانه‌های اصفهان است. بعد ظهور اسلام طبق فرامین و آیات الهی تصویر و مجسمه‌سازی از صور انسانی و حیوانی ممنوع اعلام گردید. بنابراین هنرمندان مسلمان ایرانی برای آرایش فضا از خط، نقش‌مایه‌های یله (گیاهی انتزاعی) و هندسی استفاده کردند؛ به طوری که از سایه‌پردازی و بُعد دادن به تصاویر پرهیز گردد. از اواسط قاجار با گسترش



تصویر ۹. کتیبه موجود در خانه اولوخان (میناسیان ۳۹۰، ۱۱۰)



تصویر ۱۰. الگوی کردی در خانه گلپور (قاسمی سیچانی ۱۳۸۷)



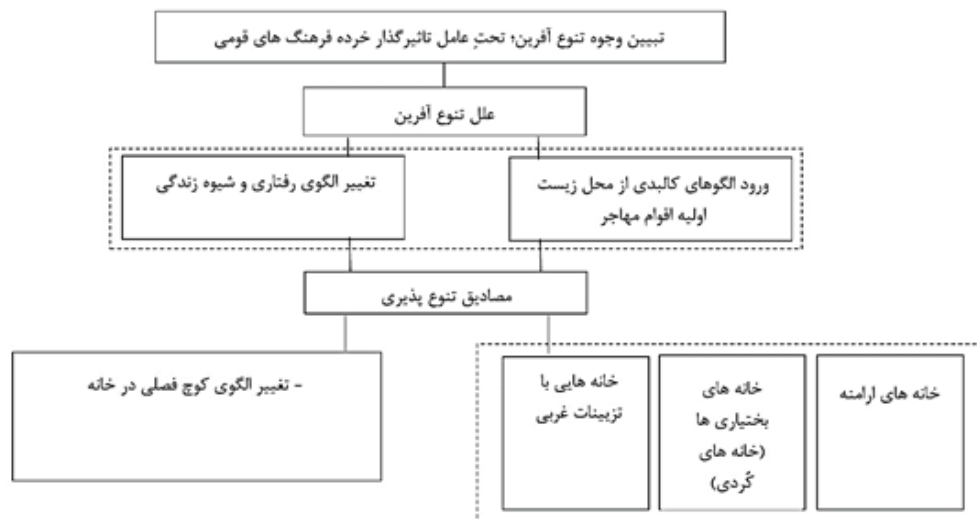
تصویر ۱۱. الگوی کردی در خانه اعلم (حریری ۱۳۹۴)

همچنین میراث مسکونی اصفهان همواره تحت تأثیر تعاملات و فرهنگ غرب بوده است. مخصوصاً در خانه‌های قاجاری تأثیر فرهنگ و معماری غرب و تلفیق آن با هنر ایرانی باعث خلق وجوه تنوع‌آفرین بی‌نظیری شده است. همواره ایرانیان فرنگ‌رفته، مبهوت غرب‌شده و با





نادر در برخی خانه‌ها از دیگر زمینه‌های بروز تفاوت‌ها در اثر گسترش فرهنگ غربی در معماری مسکونی بوده است (جدول ۴، و نمودار ۵).

روابط ایران و غرب سایه‌پردازی، پرسپکتیو غربی، چهره پردازی بزرگان و تصویر اینیه در خانه‌های مسلمانان رایج شد. همچنین کاربرد کاغذ دیواری به عنوان ماده تزئینی



نمودار ۵. طبقه‌بندی میراث مسکونی مبتنی بر وجوه تنوع آفرین، تحت عامل تاثیرگذار خرده فرهنگ‌های قومی (مأخذ: نگارندگان ۱۳۹۶)

جدول ۴. وجوه تنوع آفرین در خانه‌های تاریخی اصفهان تحت عامل تاثیرگذار خرده فرهنگ‌های قومی (مأخذ: نگارندگان ۱۳۹۷)

نام خانه	مصادیق تنوع- پذیری	مستندات ترسیمی
زول	خانه با تالار به فرم صلیب	 پلان طبقه همکف
خانه اعلم	خانه کردی و تغییر الگوی کوچ فصلی (یوان) سراسری و بالا رفتن سطح تالار (از زمین)	 نما- مقطع پلان طبقه همکف

تحلیل یافته‌ها

«اقلیم»، «مذهب»، «موقعیت اجتماعی و شغل مالک» و «خرده فرهنگ‌های قومی» از عوامل اساسی و تأثیرگذار در ایجاد تمایز و تنوع آفرینی نظام کالبدی میراث مسکونی اصفهان است. در مسکن سنتی اصفهان، با توجه به اقلیم سخت و طاقت‌فرسای کویری، همواره سعی بر این بوده تا شرایط مناسب زیستی را در داخل خانه فراهم آورند. تلاش انسان برای سازگار نمودن مسکن خود با اقلیم، به آفرینش وجوه نادر و تنوع آفرین منجر شده است. «خانه‌های بادگیردار» و «خانه‌های حوضخانه‌دار» از مصادیق تنوع خلاقانه در تطابق با الگوی اقلیمی است. بادگیر از نمونه عنصرهای اقلیمی در میراث مسکونی اصفهان است که به صورت خلاقانه و نادر در راستای انطباق با شرایط اقلیمی اصفهان خلق شده است. معمولاً کاربرد بادگیر در خانه‌های صفوی اصفهان به صورت تک‌بادگیر و در نمونه‌های قاجاری به صورت جفت‌بادگیر و بسیار اندک مشاهده می‌شود. همچنین غالباً فضاهایی که جداره رو به حیاط نداشته و فاقد بهره‌گیری از نور مستقیم خورشید بوده؛ کارکرد خدماتی نظیر انبار و مطبخ داشته است. در نمونه‌های نادری از خانه‌های تاریخی اصفهان، برای سازگاری کنج‌ها با شرایط اقلیمی، فضایی با ارتفاع معادل دو تا سه طبقه و نورگیر سقفی موسوم به حوضخانه پدید می‌آید. ارتفاع حوضخانه از بقیه فضاهای خانه بالاتر بوده و با پنجره‌های پیرامون نورگیر، نور را به داخل منتشر می‌کند. این فضا به علت وجود حوض کوچک آب در مرکز آن و نور و تهویه کافی محل مناسبی برای گریز از گرمای تابستان‌های شهر اصفهان بوده است. گودال باغچه یا باغچال نیز فضای باز اقلیمی دیگری است که در وسط حیاط مرکزی در برخی شهرهای کویری ساخته شده؛ به طوری که یک طبقه درون زمین فرو رفته است. اغلب خانه‌های قاجاری کاشان و نایین دارای فضای باغچال‌اند. اما در شهر اصفهان به خاطر بالا بودن سطح آب‌های زیرزمینی کاربرد این فضای باز با الگوهای اقلیمی هماهنگ نبوده و خلق نمونه‌های نادر با الگوی گودال باغچه - که ناهماهنگ با اقلیم است - از زمینه‌های بروز تنوع آفرینی است. سویابی اقلیمی

خانه در راستایی که بیشترین بهره‌گیری از انرژی تابشی خورشید را در فصول سرد سال به همراه داشته باشد و همچنین برعکس، کمترین میزان انرژی تابشی در فصول گرم دریافت کند؛ از تأثیراتی است که اقلیم در جهت‌یابی خانه‌های تاریخی اصفهان داشته است. در تعدادی محدود از خانه‌های تاریخی اصفهان عدم تطابق از سویابی اقلیمی موجب تنوع آفرینی در نظام کالبدی خانه بوده است.

به خاطر موقعیت ویژه و اهمیت راه‌های بازرگانی و مهاجرت اقوام گوناگون، شهر اصفهان مأمن اقوام مختلف و پیرو ادیان گوناگون نظیر اسلام، یهودیت، مسیحیت و زرتشت بوده است. مصادیق تنوع‌پذیری نیز در راستای بروز خلاقیت در تطبیق با الگوهای رفتاری شریعت در خانه‌ها خلق شده است. بهره‌گیری از جهت مقدس، حضور آب برای طهارت، سادگی نمای بیرونی و برگزاری مراسم مذهبی همچون تعزیه، روضه‌خوانی و ایجاد

خانه - حسینه‌ها و خانه - تکیه‌ها از تمایزات خانه‌های مسلمانان با خانه‌های پیروان ادیان دیگر است. در پی انجام مناسبات مذهبی در خانه‌های یهودیان و آرامنه نیز زمینه‌های تمایز و تنوع دیده می‌شود که می‌توان به فضاهای میقوه برای طهارت یهودیان و چینی‌خانه برای شنیدن موسیقی و چرخشت جهت تولید شراب در خانه‌های آرامنه اشاره نمود.

موقعیت اجتماعی و شیوه معشیت خانواده از زمینه‌های تنوع آفرین در خانه‌های تاریخی اصفهان بوده است. در واقع اولین عناصر نوظهور و گاهی منحصر به فرد معمولاً در خانه‌های تجار، عاملین حکومت و روحانیون بانفوذ مشاهده شده است. حضور اقوامی همچون آرامنه، بختیاری‌ها و اروپاییان نیز که برای تجارت و یا ارتباطات سیاسی در اصفهان ساکن می‌شدند؛ بیشترین تأثیرات و تنوعات فرهنگی را در میراث مسکونی اصفهان به منصفه ظهور گذاشته‌اند (جدول ۵).





مصادیق تنوع پذیر	علل تنوع آفرین	وجوه تنوع آفرین
کاربرد بادگیر در کمتر از ۱۰ درصد خانه های تاریخی اصفهان؛ فرم و سازمان دهی فضایی بادگیر نیز منجر به تکثر و تنوع در خانه های بادگیردار می شود (خانه های تک بادگیر، خانه ها با جفت بادگیر). - آفرینش حوضخانه در کُنج ها	خلاقیت در سازگاری با طبیعت	اقلیم و بستر قرارگیری
- خانه هایی با الگوی گودال باغچه - خانه هایی که محور اصلی شرقی - غربی، در انتظام فضایی دارند.	ناهماهنگی با اقلیم و بستر قرارگیری	
- خانه های مسلمانان: خانه - تکیه، خانه - حسینیه - خانه های آرامنه: فضای چینه خانه و عنصر چرخشت - خانه های یهودیان: فضای میقوه	حضور ادیان مختلف (اسلام، مسیحیت، یهودیت و زرتشت) در شهر اصفهان و بروز خلاقیت در تطبیق با الگوهای رفتاری شریعت	مذهب
خانه های مسلمانان با نمای خارجی مجلل	ناهماهنگی با الگوهای دینی	
- خانه های تجار - خانه های عاملین حکومت - خانه های روحانیون بانفوذ	طبقه اعیان به دلیل تمکن مالی، غالباً زمینه ساز ورود الگوهای نادر و منحصر به فرد در نظام کالبدی مسکن خود بوده اند.	شغل و موقعیت اجتماعی
- خانه - کارگاه - خانه های مشاهیر	تداخل الگوی کار، معیشت و سکونت در خانه	
- خانه های آرامنه - خانه های بختیاری ها (خانه های کُردی) - خانه های اروپاییان	ورود الگوهای کالبدی محل زیست اولیه اقوام مهاجر در نظام کالبدی میراث مسکونی اصفهان	خرده فرهنگ های قومی
تغییر الگوی کوچ فصلی در خانه های کُردی	تغییر الگوهای رفتاری و شیوه زندگی در میراث مسکونی اصفهان	

نتیجه گیری

اصفهان کمتر مورد تحلیل و واکاوی قرار گرفته اند؛ و اساس طبقه بندی ها و گونه شناسی های انجام شده و در پی آن مبانی حفاظت، غالباً مبتنی بر تشابهات خانه های تاریخی بوده است. تبیین وجوه تنوع و تمایز در خانه های تاریخی اصفهان به تجلی جنبه ها و طبقه بندی هایی در میراث مسکونی منجر می شود که در گونه شناسی های شکلی و تاریخی مبتنی بر تشابهات کالبدی قابل واکاوی نیست.

طی بازدیدهای میدانی، بررسی روند مالکیت و جریان زندگی و تحلیل نظام کالبدی در خانه های تاریخی اصفهان مشخص شد که به رغم تشابه کالبدی گسترده در بیش از ۳۰۰ خانه بازنشاسی شده در شهر اصفهان، وجوهی نیز وجود دارند که باعث تفاوت ها و تمایزات چشمگیر در خانه های تاریخی است؛ و این وجوه به دلیل تعدد خانه های تاریخی





بوده‌اند؛ به طوریکه در اواخر قاجار گونه‌ای مسکن در این شهر به نام «کردی» قابل شناسایی است. وجوهی که باعث تبیین تنوع‌پذیری در نظام کالبدی مسکن تاریخی اصفهان شده‌اند؛ برخی نادر و پاره‌ای کثیر هستند. پایداری و کثرت این وجوه ریشه در مطلوبیت آن و پاسخگویی به محیط پیرامون و نیازهای اکثریت انسان‌ها دارد.

شناخت تنوع و افتراق در نظام کالبدی میراث مسکونی موجب تدوین طبقه‌بندی‌های نوین شد که مکمل گونه‌شناسی‌های مبتنی بر یکسان‌سازی وجوه کالبدی خواهد بود. تبیین وجوه تنوع‌آفرین از ظرفیتی بالقوه در فرآیند حفاظت برخوردار است؛ به طوری که پس از واکاوی وجوه تمایز و تنوع در نظام کالبد میراث خانگی، اولویت‌بندی ارزش‌ها و به دنبال آن مبانی حفاظت دچار دگرگونی خواهد شد. شناسایی وجوه تنوع‌آفرین میراث مسکونی می‌تواند به تبیین مبانی خلاقیت در محلات تاریخی بپردازد و عامل محرکی برای حفاظت و معاصرسازی بافت‌های تاریخی شود و پاسخی بر این پرسش برخی از مسئولان و برنامه‌ریزان شهر تاریخی اصفهان باشد که چرا باید حدود سیصد خانه تاریخی در شهر اصفهان حفاظت شود؟ شناخت مبتنی بر وجوه تمایز اثر، به خاطر دربر داشتن ابعاد و جوانب مختلف و گاهی نادر و منحصر به فرد یک بنا در دستیابی به طرح باززنده‌سازی مطلوب، نقش به‌سزایی خواهد داشت. در ادامه این بحث با شناخت حاصل شده از وجوه تمایز و تنوع آفرین در مسکن تاریخی اصفهان می‌توان به جست‌وجوی چگونگی تبیین مبانی نظری حفاظت بر اساس وجوه تمایز و تنوع‌آفرین میراث خانگی به عنوان محرکی برای حفاظت و معاصرسازی بافت‌های تاریخی پرداخت. پرسش پیشنهادی برای ادامه پژوهش بر این اساس است: جایگاه تبیین وجوه تنوع و تمایز آفرین میراث مسکونی اصفهان در فرآیند حفاظت از خانه‌های تاریخی چگونه است؟ و یا به عبارت دیگر؛ چگونه می‌توان غنای میراث مسکونی اصفهان را در گوناگونی اش حفاظت نمود؟

همچنین شناسایی رده‌های منحصر به فرد و نادر خانه‌های تاریخی اصفهان را به همراه دارد. اهمیت این بازشناسی در اولویت‌بندی ارزش‌ها و مبانی حفاظت یکپارچه است. در این پژوهش، وجوه تمایز و تنوع‌آفرین میراث مسکونی اصفهان تحت تأثیر عوامل اقلیم، مذهب، شغل و موقعیت اجتماعی مالک و خرده‌فرهنگ‌های قومی در ابعاد کالبدی مشخص و براساس مصادیق تنوع‌آفرین طبقه‌بندی شد. از عمده‌ترین عوامل مؤثر بر تداعی وجوه تنوع‌آفرین تحت تأثیر اقلیم، بروز خلاقیت در هماهنگی با اقلیم و سازگاری با طبیعت است، خلاقیت در انطباق با الگوهای اقلیمی بستر، به آفرینش اندام‌ها و فضاهای نوظهور و تغییرات در سازمان‌دهی و نحو فضایی منجر شده؛ به طوریکه دو گونه خانه‌های بادگیردار و حوضخانه‌دار در میراث خانگی این شهر قابل بازشناسی است. همچنین ناهماهنگی با اقلیم نیز زمینه‌ساز ایجاد تمایزاتی در برخی خانه‌ها بوده است (مانند خانه‌هایی با الگوی گودال‌باغچه). بروز خلاقیت در تطبیق با الگوهای رفتاری وابسته به مذهب و شریعت نیز باعث خلق نظام‌های کالبدی متمایز مانند خانه-تکیه‌ها، خانه‌هایی با محور مقدس و خانه‌هایی با عناصر و فضاهای معماری نادر مانند چینی‌خانه، میقوه و چرخشت شده است. از طرف دیگر ناهماهنگی کالبدی با الگوهای رفتاری ادیان نیز تنوع‌آفرین بوده است. تداخل کار، معیشت و سکونت نیز سبب تمایزاتی در نظام کالبدی میراث خانگی اصفهان بوده و گاهی در سطوح تنوع‌پذیری مسکن تاریخی، تنوع در نظام کارکردی موجب ایجاد تنوع در نظام کالبد شده و تلفیق کارکردهای غیرمسکونی از وجوه تنوع‌آفرین در ابعاد کالبدی این خانه‌ها است. خانه‌کارگاه‌ها و خانه‌های مشاهیر فرهنگی و عاملین حکومت، تجار، ملاکین و روحانیون زمینه‌های تمایز چشمگیری با سایر خانه‌ها دارد؛ به طوری که الگوهای کالبدی هم چون خانه-قلعه، خانه-مدرسه و فضاهایی همچون حمام سرخانه و ساخت خانه به گونه برون‌گرا با هندسه منظم در پلاک‌بندی از زمینه‌های تمایز است. اقوام مهاجر نیز غالباً با ورود الگوهای کالبدی مسکن از محل زیست اولیه خود باعث تغییر عمده‌ای در شیوه زندگی و نظام کالبدی خانه‌های تاریخی اصفهان





پی‌نوشت

۱. در پژوهش پیرامون میراث تاریخی و فرهنگی، غالباً پژوهشگرانی که حیطه جغرافیایی خود را به محدوده مشخصی مانند شهر، روستا و محله معطوف می‌کنند؛ و در واقع از مِتد تاریخ‌نگاری محلی در پژوهش استفاده می‌کنند؛ فرصت بیشتری دارند که در جزئیات دقیق شده و با بررسی همه‌جانبه، تصویری شفاف‌تر از موضوعیت پژوهش خویش ارائه دهند. از سوی دیگر، زیستن در محیط جغرافیایی تحقیق، به آن‌ها این امکان را می‌دهد که بتوانند بر روی پدیده‌ای که توجه آن‌ها را جلب می‌نماید؛ به دقت نظر افکنند و به ثبت و ضبط آن اقدام کنند. بدین سبب عرصه پژوهش‌های پیمایشی میدان تاخت‌وتاز ذهن و چشم برای دستیابی به موضوعات گوناگون است. موضوعاتی که بعد از دهه‌ها و سده‌ها، یادگارهای سودمند و نسبتاً عینی را از دیروز در اختیار قرار می‌دهد.

۲. Pearlstein

۳. خانه وثیق انصاری به شماره ثبت آثار ملی ۱۲۵۱ در محله گلپهار و در خیابان هاتف واقع شده است.
۴. خانه حاج مصورالملکی به شماره ثبت آثار ملی ۹۹۱ در محله نو و در خیابان طالقانی واقع شده است.
۵. خانه صیفورقاسمی به شماره ثبت آثار ملی ۱۸۴۳ در محله حکیم و در خیابان حکیم واقع شده است.
۶. خانه باجلی به شماره ثبت آثار ملی ۵۴۴۲ در محله خواجه و در خیابان چهارباغ خواجه، کوی صدر، کوچه شهید حسن صادقی، پلاک ۶۱ واقع شده است.
۷. خانه سوکیاس به شماره ثبت آثار ملی ۹۹۴ در محله جلفا و در خیابان حکیم نظامی، کوچه سنگ‌تراش‌ها واقع شده است.
۸. خانه ایوبی به شماره ثبت آثار ملی ۵۴۴۳ در محله جلفا و در خیابان محتشم کاشانی واقع شده است.
۹. روایت است رسول خدا(ص) بر سر خانه‌ای قبه‌ای بلند دید. پرسید: این چیست؟ گفتند این خانه از آن یکی از انصار است. وقتی صاحب آن آمد؛ پیامبر(ص) از او روی گرداند. آن مرد از اعراض رسول خدا(ص) از خودش آگاه شد... پس رفت و قبه را ویران نمود (حکیمی ۱۳۷۱، ۸۷).
۱۰. خانه ست‌مایل در محله جلفا و گذر سنگ‌تراش‌ها، در مجاورت مدرسه فرانسوی‌ها واقع شده است.
۱۱. خانه کنیسه خورشیدی به شماره ثبت آثار ملی ۱۹۰۷۴ در محله جوباره، خیابان کمال و کوچه شهید افسرده واقع شده است.
۱۲. خانه مارتاپتیز به شماره ثبت آثار ملی ۹۹۰ در محله جلفا و در خیابان حکیم نظامی واقع شده است.
۱۳. خانه شیخ‌الاسلام به شماره ثبت آثار ملی ۹۹۷ در محله سینه پایینی و در خیابان عبدالرزاق واقع شده است.
۱۴. خانه خواجه پطرس به شماره ثبت آثار ملی ۱۹۰۶ در محله جلفا و در خیابان حکیم نظامی واقع شده است.
۱۵. خانه آقا کمال در محله جلفا و در جنوب کلیسای حضرت مریم واقع بود و در توسط مالک تخریب شد.
۱۶. خانه رحیم‌زاده در حال حاضر به خانه هنرمندان تغییر کاربری یافته است و در پارک ایثارگران بین پل خواجه و پل بزرگمهر جای دارد.
۱۷. خانه دهش در حال حاضر به موزه آموزش و پرورش اختصاص دارد و در خیابان شمس آبادی واقع شده است.
۱۸. خانه بهشتیان به شماره ثبت آثار ملی ۱۶۴۱ در محله جماله کله و در خیابان عبدالرزاق، کوچه حمام شیخ بهایی واقع شده است.

۱۹. Bulmer

۲۰. خانه زول به شماره ثبت آثار ملی ۱۱۵۹ در محله جلفا و در خیابان حکیم نظامی واقع شده است.

منابع

۱. آیوزیان، سیمون. ۱۳۷۸. نگاهی به معماری منازل موجود در جلفا. دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، در مجموعه مقالات سازمان میراث فرهنگی کشور. ج ۱: ۴۷۵-۴۸۴. تهران: شهروند.
۲. براندی، چزاره. ۱۳۸۷. تئوری مرمت. ترجمه‌ی پیروز حناچی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳. پدرام، بهنام، و آزاده حریری. ۱۳۹۵. خانه‌های تاریخی با نقشی فراتر از مسکن در بافت تاریخی اصفهان. پژوهش‌های معماری اسلامی ۴ (۲): ۷۴-۸۹.
۴. پدرام، بهنام، محمدرضا اولیا، و رضا وحیدزاده. ۱۳۹۰. ارزیابی اصالت در فرایند حفاظت از آثار تاریخی ایران: ضرورت توجه به تداوم فرهنگ بومی آفرینش هنری. مرمت آثار و بافت‌های تاریخی و فرهنگی ۱ (۲): ۱-۱۶.
۵. پوپ، آرتور. ۱۳۸۸. معماری ایران. ترجمه‌ی غلامحسن صدیقی افشار. تهران: انتشارات اختران.
۶. تاورنیه. ۱۳۶۳. سفرنامه تاورنیه. تدوین حمید شیرانی. ترجمه ابوتراب نوری. تهران: انتشارات کتابخانه سنایی.
۷. جبل عاملی، عبدالله. ۱۳۷۴. خانه‌های اصفهان در دوران معاصر. در مجموعه مقالات اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. ارگ بم، کرمان.





- ج ۴: ۱۳۶-۹۹. انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
۸. چرمایف، سرژیوس ایوان و کریستوفر الکساندر. ۱۳۷۶. *عرصه های زندگی جمعی و زندگی خصوصی به جانب یک معماری انسانی*. ترجمه ی منوچهر مزینی. تهران: دانشگاه تهران.
۹. حبیبی، سید محسن، و ملیحه مقصودی. ۱۳۸۱. *مرمت شهری*. تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. حسینی شاهرودی، سید مرتضی، و محمد علی وطن دوست. ۱۳۹۳. *وحدت وجود از نگاه ملاصدرا*. خردنامه صدرا (۷۶): ۱۰۱-۱۱۶.
۱۱. حکیمی، محمدرضا، محمد حکیمی، و علی حکیمی. ۱۳۷۱. *الحیاه*. جلد ۶. ترجمه ی احمد آرام. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. دانشپور، سید عبدالهادی. ۱۳۸۳. *درآمدی بر مفهوم و کارکرد هویت محیط انسان ساخت*. *باغ نظر* ۱ (۱): ۵۹-۷۱.
۱۳. دروهانیان، هاروتون. ۱۳۸۱م. *تاریخ جلفای نو اصفهان*. جلد اول. اصفهان: جلفای اصفهان (نسخه ارمنی).
۱۴. دوکسیادس، کنستانتین ا. بی تا. *معماری مرحله تحول*. ترجمه ی محمود رازجویان. تهران: دانشگاه ملی ایران.
۱۵. دیبا، داراب، فیلیپ ریوالت، و سرژ سانتلی. ۱۳۹۲. *خانه های اصفهان*. ترجمه ی مریم قاسمی سیچانی. انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان).
۱۶. راپوپورت، ایمس. ۱۳۸۲. *خاستگاه های فرهنگی معماری*. ترجمه ی صدف آل رسول و افرا بانک. *خیال* (۸): ۵۶-۹۷.
۱۷. رضوانی سعید، نوید. ۱۳۸۲. *بهبود مدیریت شهر*. تهران: دفتر مطالعات برنامه ریزی وزارت کشور.
۱۸. طهماسبی، احسان. ۱۳۸۶. *بررسی روش پوپ در تاریخ نویسی معماری ایران*. *گلستان هنر* (۷): ۵۵-۶۴.
۱۹. فاضلی، نعمت اله. ۱۳۸۶. *مدرنیته و مسکن (رویکردی مردم نگارانه به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن)*. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی* (۱/۱): ۲۵-۶۳.
۲۰. قازاریان، مانیا. ۱۳۶۳. *هنر نقاشی جلفای نو*. ترجمه ی ادیک گرمانیک. تهران: ندا.
۲۱. قاسمی سیچانی، مریم، آزاده حریری، و بهنام پدram. ۱۳۹۷. *تبیین نظام طبقه بندی اسناد و شواهد تاریخی در مطالعات میراث مسکونی اصفهان*. *پژوهش های تاریخی* ۱۰ (۳): ۷۷-۱۰۲.
۲۲. قاسمی سیچانی، مریم، بهنام پدram و آزاده حریری. ۱۳۹۵. *تحلیل خانه تاریخی تک بادگیر باجغلی (میرزا علی صراف) بر مبنای سازمان دهی فضایی*. *اثر* (۷۲): ۷۷-۹۲.
۲۳. قاسمی سیچانی، مریم. ۱۳۸۷. *بازشناسی بخشی از هویت معماری ایرانی به وسیله تحلیل گونه شناسانه خانه های اصفهان در دوره قاجار*. پایان نامه دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۲۴. قاسمی سیچانی، مریم. ۱۳۸۸. *چگونگی تعیین زمان ساخت خانه های سنتی اصفهان*. *اثر* (۷۲): ۴۶-۵۵.
۲۵. قاسمی سیچانی، مریم و غلامحسین معماریان. ۱۳۸۹. *گونه شناسی خانه دوره قاجار در اصفهان*. *هویت شهر* ۴ (۷): ۸۷-۹۴.
۲۶. کاراپتیان، کاراپت. ۱۳۸۵. *خانه های آرامنه جلفای نو اصفهان*. ترجمه ی مریم قاسمی سیچانی. تهران: فرهنگستان هنر.
۲۷. لطفی، سهند. ۱۳۹۱. *تبارشناسی بازآفرینی شهری از بازسازی تا نوزایی*. تهران: آذرخش.
۲۸. معماریان، غلامحسین. ۱۳۸۴. *سیری در مبانی نظری معماری*. تهران: سروش دانش.
۲۹. مهدوی نژاد، محمد جواد. ۱۳۹۲. *الگوی انرژی دوستی در ساختمان بر اساس رفتار حرارتی بام*. *نقش جهان* ۳ (۲): ۳۵-۴۳.
۳۰. میرمیران، هادی. ۱۳۸۳. *معماری کلیساهای جلفا اصفهان*. سخنرانی در دانشگاه هنر اصفهان: توحید خانه.
۳۱. میناسیان، لئون. ۱۳۹۰. *نگاهی گذرا به خانه های قدیمی محله جلفای نو در اصفهان*. دانش نما، ویژه نامه خانه های تاریخی: ۱۰۲-۱۲۶.
۳۲. مؤمنی، کوروش. ۱۳۹۷. *مقایسه و تطبیق اصل شفافیت در کالبد و طرح- خانه های دوره های صفوی و قاجار اصفهان*. *پژوهش های معماری اسلامی* ۶ (۱): ۴۲-۲۲.
۳۳. ناری قمی، مسعود. ۱۳۸۹. *مطالعات معناشناختی در باب مفهوم درون گرایی در شهر اسلامی*. *هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی* ۲ (۴۳): ۶۹-۸۱.
۳۴. نصیرالدین طوسی، محمدبن محمد. ۱۳۸۹. *اخلاق ناصری*. به کوشش سیاوش خوشدل. تهران: فراهانی.
۳۵. نوربرگ شولتز، کریستین. ۱۳۸۷. *مفهوم سکونت (به سوی معماری تمثیلی)*. ترجمه ی محمد امیر یاراحمدی. تهران: آگه.

References

1. Ayvazian, S. 1999. Study on the Architecture of Remainder Houses in Jolfa. (Ed). In *Proceeding of Second Conference on History of Architecture and Urban Design of Iran*, ed. B. Aiatollahzade Shirazi. 475-484.



2. Brandi. C. 2009. *Theory of Restoration*. Translated by Pirouz Hanachi. Tehran: University of Tehran Press.
3. Chermayeff. S. J., and C. Alexander. 1900. *Fields of Colletive and Private Life as the Human Architecture*. Tehran: University of Tehran Press.
4. Daneshpour, Seyed Abdolhadi. 2004. An Introduction to Meaning and Function of Identity of Man-Building Environment. *Bagh-e-Nazar 1 (1)*: 59-71.
5. Der Hovhanean, Harootun. 2000. *History of New Julfa*. Isfahan: Zende Rood and Naghsh-e Khorsgid.
6. Diba, Darab, Phillippe Revault, and Serge Santelli. 2013. *Maisons d'Ispahan*. Translated by Maryam Ghasemi Sichani.
7. Doksiyades.K. *The Evolutionary Architecture*. Translated by Mahmood Razjoyan. Tehran: Daneshgah Meli.
8. Fazeli.N. 2008. Modernity and Housing. *Iran Cultural Research (1)*: 25-63.
9. Ghasemi Sichani, Maryam. 1995. *Recognition the Identity of Iranian Architecture by Anlaysia of Isfahan Houses Typology in Ghajar Era*. PhD of Architecture Thesis, Islamic Azad University.
10. Ghasemi Sichani, Maryam. 2009. Method for Determining Construction Time for Traditional Houses of Isfahan. *Asar (46)*: 55-72.
11. Ghasemi Sichani, Maryam, Gholamhosein Memarian. 1996. House Typology in Isfahan in Qajar Era. *Hoviateshahr 4 (7)*: 87-94.
12. Ghasemi Sichani, Maryam, Azadeh Hariri, and Behnam Pedram. 2018. Explaining the Classification of Documents and Historical Evidence in Isfahan Residential Heritage Studies. *Historical Researches 3 (39)*: 77-102.
13. Ghasemi Sichani, Maryam, Behnam Pedram, and Azadeh Hariri. 2016. An Analysis on the Historical Single-Windcatcher house of Bajoghli (Mirza Ali Saraf) Based on Spatial Organization. *Asar (72)*: 77-92.
14. Ghazarian. M. 1985. *Painting Art of New Julfa*. Translated by Edik Germanik. Tehran: Neda.
15. Habibi. M., and M. Maghsodi. 2010. *Urban Renovation*. Tehran: University of Tehran Press.
16. Hakimi. M. R., M. Hakimi., and A. Hakimi. 1993. *Al-Hayat*. Translated by Ahmad Aram. Islamic Culture.
17. Hoseini Shahrodi. M, M. A. Vatandost. 2014. *Unity of Existence in the Viewpoint of Mulla Sadra*. Kheradname Sadra (76): (101-116.
18. Jabal Ameli, A. 1995. Contemporary Houses of Isfahan. In *Proceeding of First Conference on History of Architecture and Urban Design of Iran, Ed. B. Aiatollahzade Shirazi*.
19. Karapetian, K. 1993. *Isfahan, New jolfa*. Tehran: Farhangestan Honar.
20. Lotfi.S.2011. *Genealogy of Urban Rehabilitation*. Tehran: Azarakhsh.
21. Mahdavi Nezhad, M. J. 2013. Ptimum Enery Efficient Architecture Based on Thermal Behaviour of Buildings. *Naghshjahan 3 (2)*: 35-43.
22. Memarian. GH. 2005. *Theoretical Foundations of Architecture*. Tehran: Sorosh-e Danesh.
23. Minasian. L. 2011. *The Old houses of Jolfa*. Danesh-Nama (191-192) :102-126.
24. Mirmiran. H. 2004. *Architecture of the Churches of Jolfa Isfahan*. Speech at Art University of Isfahan.
25. Momeni. K. 2018. The Comparison between the Transparency Principle in the Form and Design of Safavid and Qajar Homes in Isfahan. *Scientific Journal of Research in Islamic Architecture 6 (1)*: 22-42.
26. Munoz vinas, Salvador. 2005. *Contemporary Theory of Conservation*. Elsevier Butterworth-heinemann.
27. Murtin Bulmer 1986. *Race and Ethnicity*. Ed. Robert G. Burgess.
28. Nari Ghomi. M. 2010. *A Conceptual Study about the Introversion in Islamic City*. Honar-Ha-Ye-Ziba, Memari-va-Sharsazi 2 (43): 69-81.
29. Nasir al-Din Tosi. M. 2010. *Akhlagh Naseri*. Tehran: Farahani.
30. Nechansky, H. 2006. The Four Modes of Coexistence of Goal-Orientated Systems. *Emerald Group 36(2)*: 157-174.
31. Norberg-Shulz. Ch. 2012. *The Concept of Dewlling: on the Way to Figurative Architecture*. Translated by Mahmood Amir Yarahmadi. Tehran: Agah.
32. Pearlstein, Ellen, and Lionel Keene. 2010. *Evaluating Color and Fooding of Red-Shafted Flicker (Colaptes Auratuscaler)*. Feathers: Technical and Cultural Considerations, Studies in Conservation (55) :81-94.
33. Pedram. B., M. R. Aowliya., and R. Vahidzade. 2011. Evaluation of the Authenticity in Conservation of Persian Heritage: The Role of continuity Vernacular Culture in Artistic Creation. *Maramat-e Asar and Baft-haye Tarikhi-Farhangi 1(2)*: 1-16.
34. Pedram. B., and A. Hariri. 2016. Historical Houses beyond Housing implicationsin Historical Context of Isfahan. *Researches in Islamic Architecture 4(2)*: 74-89.
35. Poop, A. U. 2009. *Iran's Architecture*. Translated by Gholamhasan Sadri Afshar. Tehran: Akhtaran.
36. Rapoport. M. 2004. Cultural Origins of Architecture. Translated by Sadaf Al-Rasool and Afra Bank. *Khiyal (8)*: 56-97.
37. Rezvani Saeed, N. 2004. *Improve City Management*. Tehran: Bureau of Medistudies and Planning.
38. Salingaros, N. 2014. *Monotony and Variety in Design*, Retrieved from zeta.math.utsa.edu/~yxk833/Meaning/meaning-21.pdf.
39. Scipioni, A., A. Mazzi, M. Mason, and A. Manzardo. 2009. *The Dashboard of Sustainability to Measure the Local Urban*





Sustainable Development: The Case Study of Padua Municipality, Ecological in Dicators.

40. Tahmasebi, Ehsan. 2007. Exploring Upham Pope Method in Iranian Architectural Historical Writing. *Golestan-e-Honar* (7): 55-64.
41. Tavernier, J. B. 1984. *Voyage en Perse*. Translated by Abotorab Nori. Tehran: Sanae.
42. Worsley, L. 2011. *If Walls Could Talk: An Intimate History of the Home*. New York: Walker and Company.





Expressing the Diversified Aspects in Housing Heritage of Isfahan

Azadeh Hariri*

PH.D. Student in Conservation and Restoration, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

Behnam Pedram **

Assistant Professor in Restoration of historic monuments and sites, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran
(Corresponding Author).

Maryam Ghasemi Sichani***

Assistant Professor in Architectural, Islamic Azad University Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran.

Received: 26/08/2017

Accepted: 04/03/2019

Abstract

Classifications in the residential heritage area of Isfahan have often been carried out with the view of typology and the creation of unity through replication and attention to similarities in the mere architectural face without regard to its meaning and content. Many historic houses are not recognizable in any of the species introduced. What is often found in these typologies is the analysis of the form of the physical organisation that is assumed fixed in any period of history, but in the physical structures of houses that are classified according to typologies in the same category, there are also many variations. Meanwhile, today, many historical houses in the city of Isfahan, regardless of the identification of the aspects of original diversity in the body, their function and content are forgotten and destroyed. Also, the historical cities of the country are often faced with a lack of information and knowledge about the diversity of residential heritage. The lack of precise explanation of the differences and variations in the residential heritage has made it impossible for the management and planning system to preserve the cultural heritage and historical context to provide the necessary opportunities for the revitalization and readability of these funds in order to promote the cultural and social identity of historical contexts. This research attempts to answer the question of how to create diverse elements and distinctions in the physical organization of the architecture of historical buildings of Isfahan and explain the diversity of the indicator in order to understand the differences and differences in the physical organization of Isfahan's housing heritage. The main goal in answering the key question is to analyze the variability of the factors to distinguish the differences in the historic houses of this city in the physical organization and a comprehensive classification for historic homes with diverse indicator. This study has been conducted using descriptive-analytical method with the aim of developmental and using field observation, library studies and also data collection through interview and the findings have been analyzed according to qualitative method and through comparison and interpretation. The result of the research shows that it is possible to explain the diversity and significant differences in the historical houses of Isfahan and give examples of the means of differentiation and diversification

* haririarc@gmail.com

** b.pedram@aui.ac.ir

*** mghasemi@khuisf.ac.ir



in the physical organisation of these houses. Also, the factors of climate, religion, occupation and social status of the owner and ethnic subcultures have an impact on the creation of diversifying elements of the Isfahan residential heritage.

Keywords: Isfahan, Residential heritage, Diversity.



Reviewers for Volume7, Number22:

Ali Asadpour: Assistant Professor, Tabriz Islamic Art University
Lida Balilianasl: Assistant Professor, Tabriz Islamic Art University
Ahad Ebrahimi Nezhad: Assistant Professor, Tabriz Islamic Art University
Mahmoud Ghalenoe: Assistant Professor, Isfahan Art University
Saeed Haqir: Assistant Professor, University of Tehran
Majid Hashemi: Assistant Professor, Rajaee University
Mohamad Bagher Kabirsaber: Assistant Professor, University of Tehran
Hamed Kamelnia: Assistant Professor, Ferdosi University
Akbar Kiani: Assistant Professor, Zabol University
Razieh Labibzadeh: Assistant Professor, Azad Islamic University
Shahriar Nasekhian: Assistant Professor, Isfahan Art University
Abdolhamid Noghrekar: Associate Professor, Iran University of Science and Technology
Behzad Omranzadeh: Assistant Professor, University of Tehran
Hasan Sajadzadeh, Assistant professor, Boali University
Nima Valibeig: Assistant Professor, Isfahan Art University
Behzad Vasiq: Assistant Professor Jondy Shapoor University

Managing Director: vice chancellor for research-Iran University of Science and Technology

Editor-in-chief: Mohsen Feizi

Administrative Director:

Fatemeh Mehdizadeh Seraj

Administrative assistant:

AmirHosein Yousefi- Zahra Kashani doust

Persian literary Editor: Sara Motevalli

English literary Editor: Mohamad Reza Attaee

Editorial Board Members:

Seyyed Gholam Reza Eslami: Associate Professor, Tehran University

Hasan Bolkhari: Associate Professor, Tehran University

Mostafa Behzadfar: Professor,

Iran University of Science and Technology

Mohammad Reza Pourjafar: Professor,

Tarbiat Modares University

Mahdi Hamzeh Nejad: Assistant Professor,

Iran University of Science and Technology

Esmaeil Shieh: Professor, Iran University

of Science and Technology

Manoochehr Tabibian: Professor, Tehran University

Mohsen Faizi: Professor, Iran University

of Science and Technology

Hamid Majedi: Associate Professor, Science and

Research Branch, Islamic Azad University

Asghar Mohammad Moradi: Professor, Iran University

of Science and Technology

Gholam Hossein Memariyan: Professor, Iran University

of Science and Technology

Fatemeh Mehdizadeh: Associate Professor, Iran University

of Science and Technology

Mohammad Naghizade: Assistant Professor, Science and

Research Branch, Islamic Azad University

Ali Yaran: Associate Professor, Iran Ministry of Science,

Research and Technology

Design assistant: AmirHosein Yousefi





- **Comparative Study of Veil Abandonment and Privacy Abandonment in Iranian Clothing and Buildings before and after The Pahlavi Dynasty**
Mohammad Mannan Raeesi / Zahra Ansaripour
- **Comparative study of physical and functional structure in Tabriz Saheb-Abad square and Isfahan Naghsh-e-Jahan square in hictorical periods**
Isa Hojat / Azita Balali Oskouyi / Sana Yazdani
- **Meidān-i Asb-i Shāhi: The Frontage for Safavid Dowlatkhaneh of Qazvin**
Hamidreza Jayhani / Fatemeh Rajabi
- **An Assessment of the Evolution of Structural Forms of Iranian Schools: Seljukid Era into Ghajar Period (From the Fifth to the Fourteenth Century AH)**
Mansoure Mohseni
- **Nature, Politics and Architecture; Reading Out the Interaction of Nature, Politics and Culture Components in the Architecture Creating Process of Tabriz Blue Mosque**
Mohammad baqer Kabirsaber / Amir Amjad Mohammadi
- **CPC (Child Preceptor City): Revising CFC (Child Friendly City) Model in an Islamic Iranian Context**
Parya Parsa / Morteza Mirqolami / Minou Qarabaglou
- **Expressing the Diversified Aspects in Housing Heritage of Isfahan**
Azadeh Hariri / Behnam Pedram / Maryam Ghasemi Sichani